

qob

ISSN:3534-2588

ماهنامه تخصصی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری

آذر ۹۶

کلیپورگان



سیستان و بلوچستان
معاونت پژوهشی

بررسی سفال عصر نوستگی در ایران
« مطالعه موردی : سفال کلیپورگان سراوان »
کلیپورگان؛ جهان کهن سفال زنانه
داستان تصویری کلیپورگان
کلیپورگان میزبان مهربان
کلیپورگان: ویژگی‌ها، ظروف و اشکال



کاو

کاو: ماهنامه تخصصی
اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری
استان سیستان و بلوچستان

ویژه نامه کلپورگان

صاحب امتیاز: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری
مدیر مسئول: کامبیز مشتاق گوهری
مدیر اجرایی: فرشید فیروزان
سرمدیسر: کلثوم بسزی
ویراستار و ناظر چاپ: گیتی کشیان
صفحه آرا: ابوالفضل برنیا
سرویس عکس: نضراغه کوهکن
شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

نشانی: زاهدان، پلوار شهید مطهری، خیابان امداد،
موزه منطقه‌ای جنوب شرق، معاونت پژوهشی،
مجله تخصصی کار.

تلفن: ۰۹۳۹۲۴۹۱۴۸۷ و ۰۵۲۳۲۲۲۵۳۰۲ (داخلی ۲۷۵)
ایمیل: KAVMAGAZINEINFO@GMAIL.COM
شماره استاندارد بین المللی: ۲۵۸۸-۳۵۳۴

«کار در ویرایش و خلاصه کردن مقالات آزاد است»
«مطالب درج شده در مقالات لزوما دیدگاه گردانندگان کاو نیست»



پذیرش دانشجو بدون کنکور مقاطع کاردانی و کارشناسی

مرکز علمی کاربردی میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری

مقطع کارشناسی حرفه ای :

کارشناسی حرفه ای گردشگری
کارشناسی حرفه ای طراحی و الگوسازی پوشاک
(در دو گرایش لباس مجلسی ، خانگی و لباس اقوام)
کارشناسی حرفه ای صنایع دستی ، صنایع سنگی

مقطع کاردانی حرفه ای :

کاردانی حرفه ای گردشگری
کاردانی حرفه ای طلا و جواهر ، تراش سنگ های قیمتی
کاردانی حرفه ای صنایع دستی ، سفال و کاشی سنتی
کاردانی حرفه ای صنایع دستی ، مصنوعات چوبی
کاردانی حرفه ای صنایع دستی ، مصنوعات سنگی
کاردانی حرفه ای طراحی و الگوسازی پوشاک



پذیرش ، مشاوره تحصیلی و شغلی رایگان و کسب
اطلاعات از ساعت ۸ :۰۰ صبح الی ۱۴ :۰۰ یا مراجعه حضوری
به دانشگاه و تماس تلفنی انجام می پذیرد .

آدرس : خیابان امام خمینی ، تقاطع خیابان کفعمی
مرکز علمی کاربردی میراث فرهنگی ، صنایع دستی و گردشگری
تلفن تماس : ۰۵۴ - ۳۳۲۱۱۲۰۰





سرمقاله

کلپورگان جهان سفال زنانه است. کم نگفته‌اند از پهر و مهر زنان این سامان بر خاک و اتفاق آتش بر تشنگی آب، که خشکسالی دمی است به درازای تاریخ ...

روزی خوش و روزگاری ناخوش!
باری امسال کلپورگان ثبت جهانی شد و در شماره‌های آبان و آذر کاو از کلپورگان نوشتیم. اما ضرورت داشت در مجلدی جداگانه و به شکلی کامل‌تر به موضوع کلپورگان بپردازیم که ویژه‌نامه‌ی پیش رو نمره‌ی این تلاش است با این حال محدودیت زمانی و برخی کمبودها باعث شد این ویژه‌نامه هم نتواند به شکل شایسته‌ای حق مطلب را ادا نماید.

در این مجموعه برخی مطالب که خلاصه‌ی آن در شماره‌های پیشین کاو منتشر شده بود، گردآوری شده و در اختیار مخاطبان کاو قرار گرفته است. القصه تقاضای ما از متخصصین و پژوهشگران محترم در حوزه‌های مردم‌شناسی، تاریخ، باستان‌شناسی، صنایع‌دستی و به‌ویژه سفال، تاریخ هنر، زنان، موزه‌های زنده و به طور کلی علاقمندانی که می‌توانند عنوانی برای پژوهش در کلپورگان بیابند، این است که فرصتی را به مطالعه به احوال این روستا و سفال هزاران ساله‌ی زنانه‌اش اختصاص دهند چرا که آنچه موجود است و در واقع آنچه به مرحله‌ی انتشار عمومی رسیده، در خور نام و آوازه و زحمات مردم آن سامان نیست و انجام پژوهش‌هایی بیشتر و عمیق‌تر ضرورت دارد. در پایان لازم است از تمامی دوستانی که در تهیه‌ی این ویژه‌نامه همراه و همگام ما بودند، سپاسگزاری نماییم.

ویژه نامه کلپورگان

فهرست مطالب

۱
پروژسی سفال عصر نوسنگی در ایران
«مطالعه مورثی، سفال کلپورگان سراوان»

۲۹
کلپورگان؛ جهان کهن سفال زنانه

۳۵
داستان تصویری کلپورگان

۵۴
کلپورگان میزبان مهریان

۵۶
کلپورگان؛ ویژگی‌ها، ظروف و اشکال



بررسی سفال عصر نوسنگی در ایران

«مطالعه موردی: سفال کلبورگان سراوان»

■ اسماعیل ارباب

کارشناس ارشد هنرهای تجسمی، دانشگاه کراچی

مقدمه

ساخت و کاربرد ظروف سفالی از نیمه دوم هزاره هشتم ق.م آغاز شده و در میان سایر صنایع بشری بیشترین قدمت (حدود ده هزار سال) را دارا می‌باشد. همزمان با آغاز یکجانشینی در ابتدای نوسنگی که با اشنایی انسان با گل همراه بود، انسان حالت چسبندگی، خمیری و سخت شدن در برابر حرارت را در آن کشف کرد، استفاده‌ی مداوم و پی در پی از گل، در نهایت به ابداع روش های ابتدایی ساخت ظروف سفالی انجامید.

روش های ساخت و پرداخت ظروف سفالی از همان دوران آغازین روندی رو به رشد داشتند و همانند دیگر مراحل زندگی در جوامع ابتدایی از تغییر باز ناپستادند. مراحل تولید که در ابتدا با استفاده از دست و ابزار ساده صورت می‌گرفتند، امروزه پس از گذشت ده هزار سال در مراکز تولید اکثر نقاط جهان بوسیله تکنولوژیهای نو و با کمترین دخالت دست انسان تماما بوسیله ماشین های پیشرفته صورت میگیرد.

امروزه در کنار تولید ظروف سفالی ماشینی، مناطقی در گوشه و کنار جهان به صورت پراکنده یافت می شوند که جوامع موجود در آنها هنوز هم سفال را با استفاده از دست و ابزار ساده و ابتدایی تولید می کنند که در هر کدام از آن جوامع مراحل ساخت و پرداخت به روش خاص صورت میگیرد و حتی در مواردی با جوامع همسایه و یکسان دارای تفاوت کلی در مراحل ساخت و پرداخت می باشند. از این گونه جوامع میتوان کلبوره گان (سراوان) و لالچین (همدان) در ایران را نام برد.

سفال کلبوره گان به دلیل ساده تر بودن مراحل ساخت و پرداخت و ویژگیهای منحصر به فردی که دارد نسبت به سفال تولید شده در سایر مراکز تولید ایران از اهمیت

بالتری بر خوردار است اما بدلیل دوری از مرکز کمتر در کانون تحقیق و پژوهش قرار گرفته و در تحقیقات صورت گرفته هم تنها به ذکر مراحل ساخت، پرداخت، ابزار و مواد مورد استفاده اکتفا شده و اشاره ای به قدمت و تاریخ مراحل آن نشده است. فقط در یک مورد آن هم با استفاده از دلایل بسیار ابتدایی قدمتش را مشخص کرده و آن را به هزاران سال قبل نسبت میدهند.

در این پژوهش سعی بر این است تا با مطالعه و بررسی مدارک و شواهد موجود و بدست آمده از تپه های باستانی شناخته شده در فلات ایران تا حد ممکن قدمت واقعی سفال کلبوره گان را بدست آوریم. بر این اساس سوالات زیر مطرح شده است.

۱) قدمت مراحل ساخت و پرداخت سفال در کلبوره گان مربوط به چه دوره ای است؟

۲) آیا تمامی مراحل ساخت و پرداخت سفال کلبورگان به هم مربوط می شوند؟

۳) سفال دوره نوسنگی فلات ایران به چه روش یا روش هایی تولید می شده است؟

گذشته از کنجکاوی نگارنده جهت فهم قدمت واقعی و اصالت سفال کلبورگان، کمبود و نبود منابع مکتوب علمی و قابل استناد، نیز دلیلی دیگر برای انتخاب این موضوع و پژوهش پیرامون آن بوده است.

۱) یافتن قدمت واقعی و مراحل ساخت سفال کلبورگان
۲) ثبت مراحل ساخت و پرداخت سفال در کلبوره گان
۳) روشن شدن یا جمع بندی مراحل ساخت سفال دوره نوسنگی فلات ایران

تولید ظروف سفالی در کلبوره گان همانند دیگر مناطق با انجام مراحل خاص بروی گل انجام می گیرد که برای بدست آوردن جوابی در قبول یا رد فرضیه ای که سفال کلبوره گان را به دوره نوسنگی نسبت می دهد لازم است تا کلیه مراحل ساخت سفال در فلات ایران را از ابتدا تا دوره ای که بتوان سفال کلبوره گان را به آن نسبت داد بصورت جز به جز مورد مقایسه تطبیق و بررسی قرار دهیم تا قدمت سفال کلبوره گان را نه بر اساس فرضیات بلکه بر اساس مدارک و شواهد معتبر مشخص نمایم .

این پژوهش در نظر دارد تا با استفاده از نظریه باستان شناسان به یک جمع بندی واحد در مورد مراحل تولید سفال حداقل در دوره نوسنگی فلات ایران برسد و سپس این مراحل را با مراحل تولید سفال در کلبوره گان مقایسه کرده تا بدین وسیله قدمت سفال کلبوره گان را تخمین زده شود.

روش گردآوری اطلاعات به شکل انجام مصاحبه با سفالگران روستای کلبوره گان، مشاهده، یادداشت برداری، عکاسی و توجه به منابع کتابخانه ای و مقایسه تطبیقی یافته ها از مراحل ساخت و پرداخت سفال دوره نوسنگی فلات ایران با مراحل ساخت و پرداخت سفال در کلبوره گان می باشد.

بر اساس مطالعه و مقایسه کلیه مراحل ساخت و پرداخت سفال دوره نوسنگی فلات ایران جز به جز با روش ها و ابزار ساخت سفال در کلبوره گان منطبق می باشد. کمبود منابع مکتوب و گزارش های ناقص و غیر کارشناسانه در مورد سفال کلبوره گان و عدم دستیابی مستقیم به گزارش های باستان شناسی سفالهای یافته شده، از مهمترین مشکلاتی بود که پژوهشگر با آن مواجه بوده است.

ویژگی ها و روشهای ساخت سفال در دوره ی نوسنگی ایران
سفال یکی از خلاقیات های ماندگار انسان از دوره های نوسنگی و ما قبل تاریخ است (کامبخش فرد، ۱۳۸۹، ۹) که در طول تاریخ همیشه در حال تغییر و پیشرفت بوده، و امروزه تقریباً اکثر مراحل آن با ماشین انجام می شود. اما در همین دوران ماشینی می توان نمونه هایی از سفال و مراحل ساخت آن در جوامع ابتدایی و سنتی جهان دید که در اولین نگاه، تفاوت فاحش آنها با سفال های ساخته شده با دستگاه های پیشرفته امروزی قابل مشاهده است.

ویژگی ها و روشهای ساخت سفال در دوره ی نوسنگی ایران
اینکه انسان از چه زمانی خویش را بروی زمین یافت همیشه به عنوان سنوالی مطرح بوده است. اما اگر از دید هنری به آن بنگریم آنچه که در این گذر زمان مهم هستند و ارزش پی گیری دارند آثاری هستند که انسان در این مسیر طولانی از ابتدا تا حال بر جا گذاشته است.

نخستین آثاری که از انسان اولیه بدست آمده اند ابزار ساده ای متعلق به ۴۰۰ هزار سال پیش هستند از آن دوران تا نخستین دیوار نگاره ها در ۱۵۰۰۰ ق. م. انسان مسیری طولانی را به کندی اما با موفقیت طی کرد. هر چند که این تصاویر ابتدایی و ساده، صحنه ای از زندگی روزمره را به تصویر کشیده اند اما معنایی بزرگ در پس خود دارند. نمونه هایی از این دیواره نگاره ها بروی دیواره غارهایی چون لاسکو، آلتامیرا و دوشه بدست آمده اند می دانیم که انسان در این دوران در عصر شکار قرار داشت پس این هنر از آن شکارچیان اولیه ای بوده که در مرحله اقتصاد طفیلی و غیر مولد می زیسته و ناگزیر بوده اند خوراک خود را از طبیعت بگیرند تا گردآوری کنند(ظلایی، ۱۳۹۰، ۱۲).



نقش گاو در غار لاسکو فرانسه مربوط به دوره ی پارینه سنگی

ظروف سفالی در ۶۵۰۰ ق.م فاصله ای اما در میان همه این نظریات، نظریه مک کان باستانشناس آمریکایی به دلیل سال بیش از ۱۰۰۰ سال را در فلات ایران به خود دید که در نتیجه این فاصله زمانی توانستند شناخت بهتری نسبت به این ماده اولیه خام پیدا و کیفیت ظروف سفالی ساخته شده را تا حد قابل قبولی بالا ببرند که با بهتر شدن کیفیت جایگاه بهتری در جوامع اولیه بدست آورد.

از ساخت اولین ظروف سفالی بدست مک کان به اواخر هزاره پنجم قبل از میلاد که اولین نشانه های ساخت و استفاده از چرخ سفالگری بدست آمده اند را می توان مهمترین دوره در تکامل مراحل ساخت و استفاده از ظروف سفالی دانست.

دوره نوسنگی با سفال در فلات ایران به دلیل اهمیتی که در شناخت تمدن های پیش از تاریخ دارد تاکنون باستانشناسان زیادی را از گوشه و کنار جهان به خود جذب کرده و همین موضوع باعث شده تا نظریات متفاوتی درباره تقسیم بندی دوره های پیدایش و گسترش سفال در آن منتشر شود.

از زمان شناخت گل خاک رس تا استفاده از آن در ساخت ظروف سفالی و کاربردی شدن همه جانبه استفاده از



ونوس تپه سراب کرمانشاه مربوط به دوره نوسنگی

این افزایش کاربرد خاک رس در پیکر سازی و ساختمان سازی در آستانه تحولی تعیین کننده در زندگی بشر رخ داده است، که از آن به عنوان «انقلاب نوسنگی» یاد می شود (همان منبع، ۷).

از زمان شناخت گل خاک رس تا استفاده از آن در ساخت ظروف سفالی و کاربردی شدن همه جانبه استفاده از

استفاده از این ماده اولیه سفالگری همزمان با استقرار دائم در روستاهای اولیه صورت گرفته است (همان منبع، ۶). اما دقیقاً در دوره ای که هیچ آثاری از استفاده از خاک رس در بدست نمی آید یافته های باستانشناسی نشان از تولید و استفاده از ابزار ساخته شده توسط سنگ را دارد.

توانست با استفاده از تجربه به نوآوری های جدیدی دست پیدا کند که استفاده از خاک رس در تولید گل و کاربرد آن یکی از نوآوری ها مهم زندگی اشی بوده است.

تخمین اینکه مردمان ساکن در فلات ایران از چه زمانی با خاصیت های خمیرایی و چسبندگی خاک های رس دار آشنا شده اند کار بسیار مشکلی است. اما با توجه به اینکه از هیچ کدام از غار های حفاری شده دوران پادینه سنگی ایران و کردستان عراق (شائیدر، یستون، خر، پالگار، وارواسی، زارزی و هوتو) آثار استفاده از خاک رس در کشف نشده است، می توان تصور کرد.

این تصاویر در آن واحد، هم تمثال و صاحبان تمثال بودند، هم آرزو بودند و هم آرزو تحقق یافته. شکارچی عصر حجر قدیم می پنداشت که شینی را که تصویر کرده در اختیار دارد، خیال می کرد که با تصویر او اختیار بر او را کسب کرده است و معتقد بود که حیوان وقتی نقاشی می شد، عملاً درد کشته شدن را احساس می کرد (همان منبع، ۱۳).

انسان با این تفکر مسیر تکامل زندگی را تا پایان این دوره و گذر از میان سنگی و رسیدن به نوسنگی طی نمود. پایان دوره پارینه سنگی و آغاز دوره نوسنگی همراه بود با مهمترین اتفاقی که در طی هزاران سال ما قبل آن، از شروع دیواره نگاری تا آن زمان افتاده بود و آن مرحله گذر انسان از دوره جمع آوری کننده غذا به تولید کننده بود. با این اتفاق انسان توانست در آغاز نوسنگی حیواناتی را که قبلاً شکار و نباتات را که بصورت وحشی و خودرو بودند جمع آوری و کاشت کند با کاشت اولین نباتات به صورت دیم دوران کشاورزی آغاز گردیده و با این عمل نیاز به یک جانشینی

کیفیت سفال های کشف شده از یک دوره زمانی در تمام فلات ایران تحت تاثیر موقعیت جغرافیایی و زیست محیطی محل ساخت، دارای تشابهات و تفاوت های خاص می باشند و براساس همین ویژگی ها می توان دوره و محل ساخت سفالی را از رنگ و نوع نقوش آن تشخیص داد. انسان در طول تاریخ همیشه در حال ساخت و استفاده از ابزار بوده است. ابزاری ساخته شده از چوب، سنگ، استخوان، فلزات و غیره. تا با این ابزار ها نیازهای روزمره خود را برآورده و آنها را به ساده ترین و بهترین نحو به انجام برساند.



ابزار ساخت سفال در دوره نوسنگی

در اینجا با استناد به یافته ها به بررسی ابزارهای مورد استفاده در سفالگری پیش از تاریخ فلات در مراحل فرم دهی گل، پرداخت و تزئینات نقاشی شده یا تشریح مراحل جهت درک بهتر آنها می پردازیم. مراحل ساخت ظروف سفالی اولیه که از گنج دره تپه بدست آمده اند بدون استفاده از ابزاری خاص و کلیه مراحل تحذیب بخشی و فرم دادن گل تماما به وسیله دست انجام می گرفته است که میانگین ارتفاع این گونه ها حدود ۹cm است. که دارای فرم ناهمگون هستند. اما در بعد از این دوران اولیه با ارتفاع و پیشرفت تکنیک های ساخت و استفاده از روشهای قالب گیری سبلی و قتیله ای به کاربرد ابزاری شبیه کاردکس از جنس چوب یا استخوان جهت اتصال قتیله ها و لایه ها به هم نیاز پیدا کرد. و در مواقعی با استفاده از دست نیز این کار را انجام می داد.

تا کنون به همراه استفاده از کاردکس، کاربرد تخته کار نیز در مرحله فرم دهی که آن را نمونه اولیه و ابتدایی چرخ سفالگری می توان دانست به اثبات رسیده است. و لزوم استفاده از ابزار سومی تاکنون ثابت نشده است.

اولین نشانه های استفاده از چرخ سفالگری را می توان بصورت شیارهایی افقی بروی سطح داخلی ظروف کشف شده در افق های سیلیک IIو شوشI و دیگر افق های هم عصر مربوط به حدود ۴۲۰۰ ق. م دید.

کف هم سطح و صاف از لزومات یک ظرف سفالی ساخته شده است تا در زمان استفاده به سادگی بروی سطح زمین قرار بگیرد به این دلیل فرم دهی گل را در محلی مسطح و صاف انجام می دهند اما در دوره نوسنگی در دسترس نبودن سطوح صاف، مشکل بودن حرکت چرخشی ظروف بزرگ در زمان فرم دهی و عدم توانایی در جابجایی ظروف خیس در بعد از اتمام کار راه حلی به جزء استفاده از یک لایه ما بین زمین و کف ظرف نداشت. بدین منظور از یک قطعه سنگ که به آن تخته کار نیز می گویند استفاده کردند. تخته کار اولیه می توانست هر قطعه سنگ تخت بدون فرم محیطی خاصی با سطحی صاف و یکدست باشد.

تخته کار اگر چه توانسته بود با حرکت کردن خود بروی زمین از سائیده شدن کف ظروف جلوگیری کند اما نتوانسته بود به سفالگران در ساختن ظروف سفالی دارای فرم همگون و یکدست تا حدودی کمک کند. در این مرحله سفالگران با کاربرد تخته کاری با محیط گرد نوانستند با قرار دادن گل در حال شکل پذیری در مرکز آن و امکان چرخش یکدست، سفالهایی با کیفیت فرم و شکل بهتری تولید کنند سفالهای بدست آمده از محدوده زمانی ۵۵۰۰ تا ۵۰۰۰ ق. م را می توان ساخته شده بروی این تخته کار دانست.

آخرین مرحله تکامل تخته کار که در این زمان به صورت گرد در آمده بود را براساس آثار بدست آمده از چشمه علی وسیلیکII و دیگر افق های سفالی هم عصر این دوره، می توان به اوایل هزارپنجم نسبت داد.

سفالهای بدست آمده از این دوران که تولید آنها تا ابداع چرخ های سفالگری دستی در ۴۲۰۰ ق. م ادامه پیدا کرد ظروفی دارای فرمی همگون، منظم و یکدست در حد ظروف ساخته شده با چرخ هستند. به محصول تکامل یافته از تخته کار که فرمی شبیه بشقاب پیدا کرده بود بشقاب چرخ گفته می شود که دارای کفی ۱/۳ قطر دهانه است و نویر یا خالی از جنس سفال، چوب و یا سنگ و بیشتر از سفال ساخته می شده است. کف ظروف در حال ساخت یا روی بشقاب نویر و یا داخل بشقاب تو خالی قرار می گرفت که کف ظروف به شکل فرم داخل بشقاب چرخ درمی آمد. بشقاب چرخ جدید حرکت چرخشی بهتر و سریعتری نسبت به تخته کار های قدیمی داشت که دلیل عمده آن کم شدن سطح تماس آن با زمین بود. در نتیجه این ویژگی جدید سفالگر می توانست تمرکز و کنترل بیشتر بر ظروف در حال شکل گیری داشته باشد و ظروفی ظریف تر، همگون تر، منظم تر و متنسارن تر تولید کنند. استفاده از بشقاب چرخ در اکثر جوامع تا شروع ساخت و استفاده از نسل جدیدی از چرخ ها ادامه پیدا کرد. که به آن ها چرخ های سفالگری می گویند. اولین نشانه های استفاده از این نوع را می توان در سطوح داخلی ظروف شیار های افقی منظم ناشی از چرخش دورانی چرخ سفالگری به روشنی و چشم غیر مسلح مشاهده می شود (ص ۸۴) را در آثار کشف شده از افق سفالی شوشI وسیلیکII مربوط به ۴۲۰۰ ق.م مشاهده کرد. نکته قابل توجه در این زمینه این است که در دوره رواج افق سفالی شوش جدید، هنوز در منطقه بین النهرین (همسایه غربی منطقه) استفاده از چرخ سفالگری رایج نشده بود به این دلیل باید قبول کرد استفاده از چرخ سفالگری به عنوان یک نوآوری فنی

ناشی از پویایی درون زای فرهنگ های پیش از تاریخ فلات ایران بوده است (طالایی، ۸۳).

اساس چرخ های جدید بر چرخش دورانی روی یک محور ثابت بود که تخته کار و بشقاب چرخ فاقد این ویژگی بودند. بر این اساس تمامی چرخ های ساخته شده با این مزیت را که تا زمان حال ساخته و استفاده می شوند را در سه گروه کلی طبقه بندی می کنند.

۱) چرخ های دستی کتد:

این گروه از چرخها که جزو اولین ها می باشند عبارتند از چرخش یک صفحه گرد بروی یک نقطه، توسط نیرو دست که سرعت چندان نداشته اند.

۲) چرخ های سرعت متوسط:

که بدلیل حرکت صفحه گرد بروی یک محور بلند که نیروی چرخش تولید شده توسط پا را از پایین به بالا منتقل می کرد. و دارای سرعت بیشتری نسبت به نوع قبل بودند و نشانه هایی از استفاده این چرخها در مصر یافت شده است.

۳) چرخهای تند:

این نوع از چرخها با دست یا با حرکت می کردند اما چون که در مسیر تکامل توانسته بودند از نیروی گریز از مرکز به بهترین نحوی استفاده کنند می توانستند با سرعت و قدرت بیشتری بچرخند و چرخهای الکتریکی بدلیل تشابه ویژگی

به در این گروه نیز قرار می گیرند. پرداخت به عنوان دومین مرحله در بعد از فرم دهی گل شناخته می شود که با اتمام این عمل سعی در بالا بردن کیفیت ظروف سفالی دارند.

از بین بردن ترکها، اصلاح شکل کروی و دایره ای ظروف، نازک، سبک و یکنواخت کردن از اهداف پرداخت نمودن است(همان منبع، ۲۲) که رسیدن به این اهداف با استفاده از ابزار طی مراحلی خاص امکان پذیر است. لایه برداری از سطح سفال و دوغاب کاری آن، از مراحل پرداخت شمرده می شوند.

براساس بررسی های صورت گرفته بروی سفالهای کشف شده از لایه D گنج دره (۷۳۰۰-۶۹۰۰ق.م تا کنون هیچ نشانی از پرداخت سفال های ساخته شده در این دوران دیده نمی‌شود. عدم آشنایی و استفاده از گل تصفیه نشده و استفاده از تمپر ارگانیک و غیرارگانیک به میزان کنترل نشده‌ای و مهمتر از همه روشهای ساخت ابتدایی ضخامت سفالهای بدست آمده را تا میزان قابل توجه ای (۳۰mm) بالا برده و سطوح را به صورت خشن و ناصاف می‌نمایاند. اما از مرحله دوم سفالگری به بعد آرام و به مرور زمان نشانه های مراحل پرداخت بروی ظروف کشف شده از تپه عبدالحسینی ظاهر می شوند و اوج پرداخت را در ۲۰۰۰ سال بعد در هزاره پنجم بروی سفالهای کشف شده از چشمه علی می بینیم اما هیچگونه ابزاری تا کنون مربوط به این دوران و مراحل بدست نیامده است.

لایه پرداری:

کاستن از ضخامت ظروف سفالی و بدست آوردن محصولی ظریف،خوش فرم و یکدست، تا حد امکان از دوره دوم سفالگری آغاز شده و روش کار بدین صورت بوده که به وسیله ابزاری خشن مانند پوست درختان یا ابزاری تیز و برنده ساخته شده از سنگ یا استخوان، از روی سطح ظروف نیمه خشک گل را به‌صورت لایه لایه جدا می‌کرده اند تا حدی نازک گردد که از مقاومت بدنه کاسته نشود. موفقیت در انجام این تکنیک به مهارت استادکار، پیشرفت ابزار و در نهایت به گل مورد استفاده شده بستگی داشته است. در پایان دوره افق سفالی چشمه علی و اوایل سیلک II در حدود ۴۲۰۰ ق.م همزمان با ساخت و رواج استفاده از چرخ سفالگری دیگر ظروف ساخته شده با این روش، تا حدودی نیاز خود

به نازک شدن را از دست دادند و ساخت ظروف ظریف به مهارت سفالگر در استفاده از گل و کار با چرخ سفالگری بود. دوعاب یا گل آب، محلولی است که از آب و گل ساخته شده است که سطح سفال پخته نشده را با لایه ای از آن می پوشانند و آن را امروزه به عنوان اولین مرحله استفاده از لعاب بروی سفال می دانند.گر چه هنوز علت های اصلی این شیوه در سفالگری پیش از تاریخ ایران به درستی مشخص نشده است اما به نظر می رسد این کار جهت افزایش استحکام ظروف سفالین (پوشاندن حفره های سطوح سفال) و نیز افزایش زیبایی و یکدستی سطوح بیرونی ظروف سفالین صورت می‌گرفت (همان منبع، ۱۴۱).

با گذشت زمان و با رایج شدن استفاده از دوعاب رقیق در هزاره پنجم ق.م، ظروف را در ظرف دوعاب فرو برده یا بروی آن می پاشیدند و یا با پر پرندگان، آن را بر بدنه ظروف می مالیدند که استفاده از این روشها، لایه بسیار نازکی در حد ۱mm بر بروی ظروف تشکیل می داد. در این دوره برای تغییر دادن رنگ بدنه از خاک های رنگی استفاده می شده و در مواردی نیز رنگ دانه مواد کاتی به آن اضافه می کرده اند که باعث تغییر رنگ پوش و بدنه در بعد از مرحله پخت می شد.

اوج استفاده از این روش را در سفالهای کشف شده از چشمه علی می توان دید. کاربرد این مرحله از پرداخت ظروف سفالی بر خلاف لایه پرداری هیچ وقت در هیچ دوره ای کم نشده بلکه همیشه در حال تغییر و بهبود یافتن بوده است تا آن که در دوران اسلامی به صورت لعابکاری ظهور و تکامل یافت و امروزه نیز نتایج آن را می بینیم. طی دوران نوسنگی ظروف سفالی به دلیل جایگاه ویژه ای که در نزد جوامع اولیه داشته اند به شیوه های مختلف تزئینات بروی آنها صورت می گرفته است. اما استفاده از شیوه نقاشی برای تزئین که از اواخر هزاره هفتم ق.م آغاز شد در میان سایر شیوه ها از ارزش بالاتری برخوردار بوده که این را می توان به دلیل گسترش استفاده از این شیوه در تمام افق های سفالی دوره نوسنگی و بعد از آن به خوبی احساس کرد. آماده سازی سطح سفال، جوهر و نقاشی کردن آن از مراحل اصلی ترین نقاشی بوده است. برای آنکه به شیوه نقاشی می باشند. نقوش سفالی شده بروی ظروف به زیبایی هرچه بیشتر نمایان شوند لازم است سطح سفال را برای نقاشی شدن آماده کنند. در دوره اول سفالگری، سفال متقوش رایج نبوده است به همین دلیل تا زمان رواج سفال متقوش هیچ نشانی از صیقل و براق شدن سطح سفال دیده نمی شود و سفال های بدست آمده دارای سطوح زیر و خشن هستند. همزمان با رواج سفال متقوش و استفاده از لایه غلیظ بر روی سفال، سفالگران به دانش آماده سازی سطوح دست یافته اند. ابتدا در مرحله قبل از خشک شدن لایه غلیظ دوعاب، آن را با ابزاری شبیه کاردکس صاف و همواره می کرده اند سپس در مرحله نیمه خشک بوسیله سنگ صابونی یا قطعه ای استخوان اقدام به حذف زاویه کرده تا سطح سفال صاف، صیقلی، یکدست و براق برای مرحله نقاشی کردن

آماده می کرده اند.

اما در دوره استفاده از دوعاب رقیق به دلیل بهبود شیوه های استفاده از دوعاب، دیگر نیازی به استفاده از کاردکس نبوده و فقط سطح سفال را به وسیله سنگ صابونی یا قطعه ای از استخوان مهره می کشیده اند تا با انجام این عمل زوایند و ترکهای ریز گرفته شوند و سطحی یکدست، صاف، براق و صیقلی برای کار در مرحله بعد آماده شود. آماده سازی جوهر، عمل متقوش کردن ظروف توسط رنگ های کاتی انجام می گرفته که در طبیعت بصورت خاک و سنگ در دسترس می باشند. و لازم بوده جهت استفاده در ساخت رنگ به پودر تبدیل شوند تا برای ساختن جوهری صاف و شفاف به خوبی با آب ترکیب شوند.

تبدیل مواد اولیه رنگ سازی به پودر بدون استفاده از ابزار امکان پذیر نبوده است که به احتمال زیاد این ابزارها سنگی و شبیه سنگ ساب هایی بوده اند که در محیط خانه جهت تولید آرد کاربرد داشته اند و به وفور از سکونت گاه های اولیه یافت شده اند.

نقاشی کردن، براساس مطالعات صورت گرفته بروی نقوش سفالهای بدست آمده از لایه ۲ و ۳ سیلک۱ و هم عصر آنها در زاغه معلوم شده است که در این مراحل اولیه متقوش کردن ظروف سفالی، سفالگران از هر وسیله ای از جمله نوک انگشتان دست هم برای رنگ گذاری استفاده می کرده اند. که اثر این روش نقاشی به صورت لکه های مدور و پا به صورت خطوط نسبتا پهن و غیر یکنواخت افقی و عمودی رنگ بود(همان منبع، ۱۸).

همگام با پیشرفت دیگر مراحل سفالگری کاربرد نوک انگشت جهت رنگ گذاری نیز رو به کاهش گذاشت و استفاده از چوب و ریشه درختان که نوک آنان با خیساندن در آب، ریش ریش شده و به صورت قلم مو در می آمده اند رواج پیدا کرده است. نقوش دوره نوسنگی که خطوط و نقطه ها، بصورت باریک و ظریف نقاشی شده اند با استفاده از این شیوه رنگ گذاری نقاشی شده اند که بصورت نمونه می توان از سفالهای بدست آمده از سیلک II، چشمه علی و شوش جدید که جزو مهمترین نمونه های بدست آمده می باشند نام برد. طبیعت برای انسان هوشمند که همیشه در فکر ایجاد تغییرات در زندگی خود بوده منبع ایده های نو است. انسان دوره نوسنگی در طول هزاران سالی که از عمرش بروی زمین می گذشت توانسته بود با شکل ظروف، خاصیت چسبندگی گل، رنگ زا بودن کاتی ها، حرارات آتش و بسیاری موارد دیگر که در طبیعت وجود دارند آشنا شود. و از ترکیب همه تجارب با هم ایده ساخت ظروف با استفاده از مواد اولیه آسان و راحت را عملی کند.

مواد اولیه جهت سفالگری به راحتی و در مقیاس بالا در طبیعت در دسترس می باشند. اما برای ساخت ظروف سفالی با بهترین کیفیت، این مواد باید مسیری را در جهت آماده سازی برای استفاده بهتر طی کنند. که امروزه برای شناخت بهتر مواد اولیه و مراحل آماده سازی آنها در پیش از دوران تاریخی و بعد از آن با استفاده از روشهای بررسی مشخصات فیزیکی و پرتو ایکس سفال های بدست آمده را مورد بررسی قرار می دهند.

مطالعه آزمایشگاهی مشخصات فیزیکی سفالهای پیش از تاریخ از روش های موثر مطالعات غیر توصیفی است. این گونه از مطالعات با هدف تعیین و اندازه گیری ویژگی های فنی سفال از جمله شیوه ساخت، وجود یا فقدان پوشش، نوع دانه بندی خاک، نوع تمپر، کیفیت پخت و (روش های فرآوری گل) انجام می شود(طلایی، ۱۳۹۰، ۱۵۲). و از دو روش فلورسنسی و پرتو ایکس و روش تفرق ایکس می توان در جهت آگاهی از نوع و میزان عناصر تشکیل دهنده بافت سفالها و رنگ نقاشی استفاده کرد.

مواد اولیه در سفالگری جهت مرحله ساخت فرم، نقاشی کردن و پخت سفال مورد استفاده قرار می گیرند اما در مورد مواد اولیه مورد نیاز پخت در فصل پخت به اختصار پرداخته شده است و در اینجا فقط به دو مورد باقی مانده می پردازم. ماده مورد استفاده در فرم دهی ظروف سفالی گل است. اما تهیه گل مناسب برای کار نیاز به شناخت ترکیبات و مراحل آماده سازی خاصی دارد که سفالگران در هر منطقه آن را به روش خود، که در نتیجه تجربه چندین هزار ساله از پیش از دوره نوسنگی تا کنون بدست آورده اند می سازند.

امروزه استفاده از خاک رس در ترکیب جهت ساخت گل سفالگری در عصر نوسنگی به اثبات رسیده است. خاک رس به عنوان اصلی ترین ماده در تهیه گل از گذشته تا کنون به حساب می آید که در نتیجه ترکیب دانه های ریز مواد کاتی و به مقدار خیلی کم مواد آلی تشکیل شده است. این ترکیبات به نسبت درصد در هر منطقه ای با هم متفاوت هستند و از این لحاظ است که مقدار چسبندگی، خمیریایی، رنگ گل، دمای پخت و رنگ سفال بدست آمده در هر منطقه با هم متفاوت هستند. تمپر، شاموت و مواد پُرکننده در عنوان ماده مکمل و کمکی به هنگام آماده کردن گل سفال به طور آگاهانه به آن اضافه می شده اند. در سفالگری مناطق مختلف دنیا از مواد مختلفی به عنوان تمپر استفاده شده است که این مواد را می توان به دو گروه تقسیم بندی کرد: ارگانیک (کاه و علف های خرد شده) و غیر ارگانیک(ماسه، شن و غیره)، تعیین نوع تمپر که بدون تردید با استحکام سفال بعد از پخت ارتباط دارد، در مطالعات سفال اهمیت زیادی دارد. مواد تمپر معمولاً نقطه ذوب و مقاومت شیمیایی متفاوت دارند.

مهم ترین کاربرد آن جلودگویی از تغییر شکل بدنه ظروف هنگام پخت، ایجاد انبساط حرارتی مناسب و کنترل انقباض است و به خشک و خشک به پخت است. علاوه بر این تمپر در تغییر تکسین و تخلخل و تا اندازه ای رنگ بدنه، اتصال مناسب پوشش بدنه و نقش سبک شدن (فراهم متغ، ۱۵۰) و مهم ترین دلیل دیگر آن می تواند به با لایرین بدنه (دندان منجمد) و خمیری گل اشاره کرد که به سفالگر قدرت شکل دهی بهتر می دهد. سفال های بدست آمده از گنج دهر هرسین در لایه ۴، جزو اولین گروه و نمونه های شناخته شده در فلات ایران هستند که براساس گمانگاری بین ۳۳۰۰ تا ۶۹۰۰ ق. م تاریخ گذاری شده است. این سفال های با نوعی استپتی می شود که سفالگر منطقه هنوز از گل شناخت کلی نداشته و از نوع گل برای هر کاری از جمله آندود کردن سقف و دیوارها، ساخت تخت، پیکره ها و در نهایت سفالگری استفاده می کرده اند زیرا در پیکره یافت سفال های بدست آمده خرد شده آهک، گاه خرد نشده به عنوان تمپر در مقیاس بالا و سایر مواد آلی بدون وزن و وزن خود باوندن گل استفاده شده است. در این بدنه ها به عنوان اولین سفال در رواج رواج کاربرد ظروف سفالی و پشرفت مراحل تولید، نشانه های از شناخت بیشتر گل مورد استفاده نسبت به دوره قبل ظاهر شده است، زیرا در ترکیه سفال های بدست آمده از این دوره دیگر خبری از زرد تخته سنگهای آهکی و دیگر سنگ ها به بطور طبیعی در خاک وجود دارند نیست و خمیر آن ها از خاک معمولی محلی است که در انتخاب نوع آن وقت تمپر صورت گرفته است و سامونی از گاه و سربجات خرد شده بطور فزاینده استفاده شده به احتمال زیاد هنوز با تکنیک وزن دادن خارج کردن هوا از گل به خوبی آشنایی نداشته اند زیرا تخلخل ظروف بسیار بالا است. سفالینه های ساخته شده در ته گوران، ته سراب، ته عبدالحسینی، حاجی فیروز، ته سافه و سلیک ۱ از اوایل هزاره ششم ق. م جزو این دوره به حساب می آیند. تا کنون در اوایل هزاره پنجم ق. اولین نشانه های تغییر در افاق سفالی چمنلی به عنوان افاق پشرو در رواج های خاص تمدن در ابتدا که به بصورت کاربرد همزمان از ترکیب دو نوع تمپر ارگانیک و غیر ارگانیک بود تا سده های اولیه این هزاره تا انتها استفاده از مواد تمپر ارگانیک رواج داشت و پس از آن به رواج تمپر مواد غیر ارگانیک انجامید که به همراه سفال های بدست و بدکست استفاده می شده. گل سفال های بدست آمده از این دوره به خوبی در دهانه ها و جهت فراوری تر خورباونده شده است در نتیجه باعث فشردگی و استحکام بیشتر ظروف تولیدی شده است.

اولین روش تولید و استفاده از گل در تمام افاق ها سفالی تا اخر هزاره پنجم ق. م رواج و ادامه یافت.

از این دوره به بعد که با ابداع و استفاده از پخش سفالگری و تشکیل مراحل اصلی سفالگری همراه شده بود دوره انقلاب در صنعت سفال باقی می ماند. از این دوره به بعد دیگر از خاک شسته، تمپره‌های غلیظ را گلیک ریز، عمل ورز دادن و خواباندن در به پتیرین شرایط انجام می شد و سفال های ساخته شده از این دوره به سفال های نخودی معروف هستند با سفال های امروزی از نظر کیفیت برابری می کنند.

زمانی که سفالینه های پتیرین به رنگ دارد، اما ساخت آن همیشه نیازمند ترکیب مواد اولیه ای است که رنگ دانه به عنوان ماده اصلی تشکیل دهنده آن شناخته می شود. انسان که از اواخر پارینه سنگی استفاده از رنگ های ساخته شده از مواد آلی و باریک را می دانست با تجربه به مراحل ساخت و علم ترکیبات آن را بدست آورده بود.

در حالی که در دوره آغازین سفالگری با رنگ و کاربرد آن آشپداری ما از آن برای تزئین ظروف سفالی تا اواخر هزاره هفتم ق.م استفاده نکرد. سفال های متشوش بدست آمده اطلاعات خوبی را در مورد زمان اجرای نقوش (در قبل و بعد از پخت) و نوع رنگ نقوش (مواد آلی و کانی) استفاده شده می دهند.

مواد آلی بین نقطه ذوب پائین همیشه در حرارت بالا سوخته و از بین می روند به همین دلیل استفاده از رنگ های ساخته شده از رنگ دانه های معدنی آلی برای سفال های خام که باید باعث پخت بر روی آنها صورت بگیرد غیرممکن است اما می توان از این رنگ ها در بعد از عمل پخت جهت متشوش کردن ظروف سفالی استفاده کرد. نمونه ای از تزئینات صورت گرفته در بعد از عمل پخت در لایه های فوقانی چغامیش بدست آمده است.

اما می توان از این رنگ های ساخته شده از رنگ دانه های مواد کانی در قبل و بعد از پخت جهت متشوش کردن ظروف سفالی استفاده کرد. ولی بهترین زمان استفاده از این رنگ ها در قبل از انجام عمل پخت است. زیرا ترکیبات تشکیل دهنده این رنگ دانه ها در اثر حرارت ذوب شده و با ترکیبات بافت بدنه جوش می خورند که این دلیل یادآوری بودن این نقوش است، و حتی متفادری از ترکیب بیادریز برای موجود در رنگ دانه که باعث عدم ثبوت آن می شوند سوخته و از بین می روند. اکثر سفالهای دوره نوسنگی با این روش متشوش شده اند.

کاتی ها عمدتاً طیف رنگ های قهوه‌ای و سیاه ایجاد می کرد. در سفالگری موثر در ایجاد رنگ های قهوه‌ای، اکسید سیاه، اکسید کروم، اکسید روی و اکسید نیکل است. نقوش سیاه رنگ حاوی اکسید کروم، اکسید روی و اکسید منگنز هستند. از سوی دیگر، میزان حرارت و شرایط پخت نیز در نوع رنگ ها موثر است (محمیان همیت، ۲۷). و بیشترین رنگ ساخته

و استفاده شده از مواد آلی رنگ سیاه است. این نوع رنگ ها را با کمی تیرس می کردند و با از ماده رنگی که آن ها را از روی چربی مخلوط می نمودند (شهمیرزادی، ۱۳۹۰، ۹۰) رنگ نهان ها از هر دو مواد آلی و کانی را در ترکیب با آب رقیق می کرده اند. تکنیک های ساخت، ساخت ظروف سفالی به دو روش استفاده از چرخ سفالگری و بدون استفاده از آن معمول است (توحیدی، ۱۹۸۳).

اما از آنجا که رواج چرخ سفالگری را به اواخر هزاره پنجم ق. م نسبت می دهند همیشه این سوال مطرح بوده است که در ساخت ظروف سفالی قبل از این دوره چاه روش یا روش های استفاده شده است. محققان با استفاده از تکنولوژی های جدید پاسخ این سوال را از بررسی عکس های گرفته شده توسط تیرس و آبسنگ و میکروسکوپ های لیزری از سفال کشف شده از آن دوره دادن اند و از تکنیک های ساخت پیچ، قالب سیدی و فیثلیه ای نام برده اند ولی در بعضی از کتب از روش دیگری بنام روش چسباندن قطعات نیز یاد شده که به عنوان روش چهارم به شرح آن می پردازیم.

پیچ، این نوع به عنوان نخستین و محتملترین روش ساخت دادن گل جهت تولید ظروف و اشیای سفالین سفالی دانسته اند و آثار بدست آمده از گنج هر تپه ۷۳۰۰-۹۶۰۰ ق. م را به این روش ساخت و فرم دهی گل نسبت دادند.

دراين شیوه سفالگری یک چانه گل [ورژ داده] را در کف دست خود قرار داده و دست دیگر شروع به شکل دادن آن می کرده است؛ بدین ترتیب یک ابتدای ورژ چانه گل را که شصت دست فایرد و شصت کوچی ایجاد کرده؛ سپس به کمک سایر انگشتان دیواره این چاله کوچک را با فشار دادن کم کم بالا آورده است؛ در حالی که چانه گل همچنان در کف دست حرکت دورانی داشته است و نظر می رسد با این شیوه ظرف ظروف کوچکتر ساخته می شده و معمولاً از نظر شکل نیز کاسه ها و دقدها را که دهانه ای باز دارند شامل این شیوه است. این روش با توجه به اینکه خیلی حائل دارای کف گرد و نیم مربعی شکل و برای خشک شدن و انجام مراحل بعدی باید روی تخته سنگ یا سطحی صاف قرار می گرفت که در ابتدا با اندکی فشار روی سطح ظرف، کف کوچک زیر آن ایجاد می شد (توحیدی، ۱۳۷۸، ۲۰).

قالب پیچیدن در این روش ابتدای فرم و شکل ظروف سفالی مورد نظر را با استفاده از ابالی، تی، چکن و اشیای فلزی درختان صورت سید می یافتند.

در ابتدای تاریخ این روش استفاده از این روش سطح داخلی سید را با دست گل مال می کرده اند تا گل به داخل

شیارهای سید نفوذ و با سید یکی شود، سپس سطح داخلی آنرا جهت استفاده بهتر پس از هر مرحله تخت با سمت یا برش صاف می کنند. البته اما در نوع الکات یافته تر این روش نسبت به روش ابتدایی آن از سید ریزبافت استفاده می شده سطح داخلی سید را به روشی که مالم می گویند که در ظروف و از تولید به سطح سید خوشی نخوردن می باشد. حالت نیمه خشک به سادگی و راحتی از آن جدا شوند. پس از جدا کردن از قالب، ظروف برای انجام مراحل پرداخت و پخت آماده می شود.

در این روش عدم تنوع گوه ها که بدلیل محدودیت در فرم سیدها بود و دیوار کار همانند ابتدا ساختن سید و سپس از آن ساختن ظروف سبیل شش از رواج شروع سوم که روش قبلیه ای است ارزش کاربری خوبی را با میزان قابل توجهی از دست داد استفاده از این روش ساخت از حاجی فیروز، تپه لایس و تپه یحیی در کرمان گزارش شده است.

روش قبلیه ای، از (پیشرفته ترین) روش این برای معمول در ساخت ظروف سفالین پیش از تاریخ (فلات ایران) است. در این روش ابتدا گل مناسب شده و به شکل قبلیه در می آورند و از روی هم قرار دادن قبلیه ها از اتصال آن ها (به هم) به تدریج شکل کلی ظرف را به وجود می آورند. در مرحله بعدی با ظرف «کارس» یا اپزازی مشابه آن شروع داخلی و خارجی که طرف را صاف و پرداخت می کنند (تلاقی، ۱۱).

این روش معمولا در ساخت ظروف سفالگری از این کاربرد بیشتر داشته اما رواج چرخ سفالگری از این روش کوچک در ساخت ظروف بزرگ مانند خمره ها و ظروف استفاده می شود. روش چسباندن قطعات، این از قدیمی ترین و معدود روش های در فلات ایران است که با مشاهده ظاهر ظروف می توان به سادگی متوجه استفاده از آن شد. در این روش ابتدا شکل کلی ظروف را با روش های موجود استفاده در ساخت ظروف به همراه قطعات مدنظر را جداگانه شکل می دهند. در مرحله بعدی آن ها در جهت اپزازی شکل ظرف آنها را به یکدیگر می چسباندند و در نهایت زیوا و نامواری های بدنه ظروف را از آن تراشند و آن را پرداخت می کنند. این روش بیشتر در ساخت و پرداخت ظروف پیچیده که العلاقات زیادتی دارند به ویژه ظروف دسته و دران کاربرد بیشتر دارد (همان معنی، ۱۲).

تفاوت قدیمی ترین روش ساختن سید با استفاده از این روش از آنجاست که در شمال غرب فلات و مربوط به هزاره ششم ق م می باشد که عبارتند از کاسه های دسته و کاسه های لولدار. لول های کاسه و کوکب در نزدیکی لول و میاس با لبع تعبیه شده اند. (همان معنی، ۱۳).

یکی از نکات مهم در سفالگری که به احتمال زیاد از همان هزاره اخیره وند و هفتم و هشتم ق م به آن توجه می شده

اینست که ظروف را پس از پایان ساخت در ظرف های مسافری یا باغچه ها قرار می دادند تا ظروف رطوبت موجود در بدنه را از آرمی آن دست بدهند تا از تغییر ناگهانی آن که باعث ترکیدگی ظرف و غیرقابل استفاده می شود جلوگیری کنند.

اولین چیزی که در نگاه اول به یک حجام (معمدنی) جلب توجه می کرد شکل و رنگ آن است. تغییر در فرم ظروف سفالی من مانند دیگر جنبه ها زندگی در جوامع ابتدایی به صورت تدریجی و بر حسب نیاز ساختان این جوامع بوده است. بر اساس یافته های گنج مهر حسین (۱۳۶۰-۷۵ ق م) ظروف سفالی دوره استاده فارغان شده در آن دوران به دلیل ابتدائی بودن آماده سازی گل و تکنیک های ساخت، مرطوف ضرورت بسیار ساده و در اندازه کوچک هستند که هنوز کاربرد آنها بر کسی روشن نشده است.

مشابه به سنگی آن شد است
 ساکنان آن اولیه چه بدلیل عتیکت، های
 اینها ساخت، در ظروف ظروف سفالی
 به محلولات ساخت گونه های متنوع
 رویه و رو بودند و آنها را تاقا تهر
 تاقا تهر تاقا تهر، سوغا، عله ها و خمره
 بصورت ظروف های ساده کرده بود اما به
 در زمان های با اسانس نیاز به فرهای
 جدید توانستند با انجام تغییراتی در
 شکل و فر ظروف ساده سفالهای
 جدیدی را در سه گروه کوچک، متوسط
 و بزرگ تولید کنند که ساده
 بصورت تمین، کم، معق، دهانی باز
 بسته، تخت یا مقعر، ساده یا با دهانه
 در دستمه دار بدین، تنوع یا با دهانه
 بدون پایه و استواهای می شدند.
 گردن کوچک یا ساخته می شدند.
 به ویژه ساکنان سلیک ۱، اهرجانب
 تیه، جعفرآباد حاجی فیروز و تیه زاغه
 از توانمندی ساخت اینگونه ظروف
 برخوردار بودند.

آثار بدست آمده از هزاره هفتم ق م در چشمه علی، سیلک، آب قزوین و دیگر نه‌های باستانی مریش یا دره حاکات از تولید گونه های جدیدی از گونه های قدیم که بصورت هر چند اندک از هزاره هفتم تا دهه اول این هزاره ظهور برپاسای کاربردهای کم داشتند ساخته می شدند و از ظروف به تولید جبهه زیبای خشن و استفاده از ظروف رنگه ای از شکل، لاک و شیشه شکل لوان در دسته زنبیلی، پشتهایی، لپه‌ها، تاجان ها و سگاره های انواع گونه های جدید و گستره های بسیار دارند. لپه رنگشته به داخل یا خارج، پاره نوری، زامه ها و سیوها بصورت ششگوشی برآمده یا فرو رفته ساخته می شدند. آثار اخیر هفتم ق م که همزمان با دوره آخزاین هزاره از سنگاگری بدو تغییراتی در نوع ساخت گونه های جدید مشاهده می شود اما از نظر شکل به شکل و به شکل ظروف سنگاگری در ساخت ظروف

تأویل شده، متعظم تر و دقیق تر هستند. اما
اولین شاهد هرچند هم که غیرعادی
بشری است، حاضره و قاضی و قیام
بیداری در زندگی ساکنان خود بودند.
شروع گشتن شوموند در این میان
طرح اجتماعی جدیدی شکل گرفت
که در نتیجه آن گونه های جدیدی نیز
پدیدار گشت. ساختن خانه های
امروزه گونه های آن ظروف سفالی
مربوط به این دوران کشف شده اند که
بر خلاف گونه های قدیمی که فقط
در خیابان کازروبی برای ساخت در نظر
گرفته می شد در آن ها می توان تزئینی
و اشکی و دوشان را نیز از روی قرم
خاص و گاه زیاده را شناخت.
ساختن این گونه ها بدلیل استفاده ای
که از آنها می شد تا بعد از میلاد
ادامه داشته اند.

از نمونه های معروف ابتدایی این ظروف می توان از ابریق کشف شده از تل باکون و میوه خوری از تل جری فارس ۳۰۰۰-۴۰۰۰ ق م نام برد و نمونه های این ظروف که از ۲۰۰۰ ق م به این طرف هستند و از شوش ۷ (۱۵۰۰-۱۰۰۰) بدست آمده اند.

تزیین و روشهای مختلف سفال
هرگونه فعالیت که برای آرایش ظروف سفالی انجام گیرد تزیین نامیده شود (توضیح: ۲۲). تزیین ظروف سفالی به عنوان یک صنعت نوآوری در دوران پس از ساخت و استفاده از سفال به حساب می آید. بر اساس روشهای و آثار کشف شده از حفاری های نوئسنگی ایران که دارای دو فاز تزیینی سفالی و با سفال است سفال پیادست که پس از چند سده از پیدایش سفال، ایران نشانه های تزیین سفالی را در سطوح سفال ظهور کرده است (طالع، ۲۷). که شروع آن را می توان به نیمه دوم هزاره هفتم قبل از میلاد نسبت داد.

عمل بزمین در دوران نوسنگی به روش های نقاشی کردن ظروف، نقش و نگاره های آفروده اجرا می شده است و دل و میان همه این موارد رنگدانه های سفالی تقریباً بطور یکسان استفاده می شده و دو روش دیگر تنها بصورت موردی در بعضی از اقبا استفاده شده اند از اهمیت خاصی در شناخت جوامع اولیه بشری برخوردار است به همین دلیل به بررسی روش نقاشی کردن ظروف به اختصار می پردازیم.

انسان که از دوران پارینه سنگی و میان
سنگی با نقاشی کرد و در استفاده
از رنگ نهادهای مواد آلی و
انسانی داشت در دوره نوسنگی با
استفاده از تجارب گذشته با دیگر
استفاده از رنگ نهادهای جامد و
گل آبرابر حاصل به نقاشی کرد. اما اینابر
به سبب جنگ سرد اندازی بر صنعت
رنگ غار، در هر فرستی و حتی به
هنگام فراغت از کار و تلاش روزانه،
در گوشه چند پناهگاه و سنگ خود
قدار بود به ساقطه بار و به شستن و
پیرایه و آمال و آرزوها و پیام های
خود را که سرشار از نیازهای ذهنی،
فراوان نفسانی و حتی احساسی
شناختی بود و به میزها و زمان های
پی آنها انتقال دهد! کامیجیش فرد،
(۱۳۹۸، ص ۱۹)

ظروف سفالی به دلیل کاربرد روزانه همیشه در معرض دید مردمان پیش از تاریخ بوده است و با توجه به این ویژگی و آگاهی از شکندند و ناپایدار بودنشان نقاشی می شده‌اند. از این نظر طراحی نقش به دفعات تکرار و نه‌ایات خود این روند باعث تنوع، دگرگونی و تغییرات در طراحی نقش مایه‌ها و ترمیم و یوایی هر چه بیشتر در پیشرفت این هنر می باشد در حالی که دوران پارینه سنگی در نقاشی غارها این عمل صورت نمی گرفت و نقاشی‌ها

و نقش مایه ها ثابت بودند (طلائی، ۱۳۹۰، ۲۷). اما آنچه که انسان را به تزئین ظروف سفالی در اولین مراحل رونق سفالگری واداشت بدون شک همان دلیل و تفکری است که انسان را در پارینه سنگی به نقاشی کردن بروی دیواره غارها اجبار کرده بود.

امروزه تقریباً هر دو اتفاق محققان را نظریه‌ای در مورد نتایج دور فرارها تفسیر می‌کند که نقش‌ها همان‌چنین به یکدیگر داشته‌اند. زیرا که شکار جانوران یعنی جلبه‌ای اندک و گاو گوزن شمالی علاوه بر اصابت تیرها و پیکانی‌های نوک تیز سنگی به بربری (بزرگ‌ترین حیوان شکار) و اسون (بزرگ‌ترین حیوان شکار) نیاز داشت تمامی علامات و اشارات هنر عصر پارینه سنگی در خدمت شکار و جادو بوده. تصویر به منزله ابواب و نقش اسون پاره‌سنگی به وسیله تصویر حیوانات آوردن و استفاده از نیروهای ماورایی در جهت ایجاد امید و تقویت شکاری به این‌ها می‌گفت.

اما هنرمندی که با آثاری بی بدن انسان
آشنایی کامل داشته و هنرمندی شایسته و جرم
آنها را از انسان و حیوان ایجاد می کند
چگونه تا به فراسط خفیه هندسی او
بروی سطح صفات خود را واقع می آورد
و تا رسیدن به ضرورت تبارش نقوش
انسانی، حیوانی و گیاهی میسوزد ۲۰۰۰
ساله او پس می تواند نقوش
شده بود شک در پس این آثار نقوش
همان نیروی قار که قارده که انسان پارتنه
سنگی را در مسیر تقاضای کرم نجران
کرده بود. بار دیگر همان نیروی
ماورائی اما اینجا در مسیر دیگر انسان
و تا داشت تا ابتداء در سوزن طرح سیدمان،
حصیرها و طرح های خطی هندسی به
شکل گیاهی با طرحی بی و ماورای و
مقتضی، سپس نقوش حیوانی و گیاهی و

انسانی و در مراحل بعدی نقوش
استیلزه (توحیدی، ۱۳۷۸، ۲۳) و
نمادین و موضوعی موضوع تفکر و نقش
آفرینی سفالگران گردد که در نهایت با
نمادینه کردن بیش از حد نقوش،
علامت گرایی و خط تصویری با
ایدئولوژی مرسوم شد (همان منبع، ۲۳).

بر طبق نتایج کارهای انجام گرفته در تمام نواحی ساحلی فلات ایران، تمام مشخص شده که قنوق آبزیان، شده و بری طرف شمالی بر حسب نیاز ساکنان و تحت ویژگی های تاریخی، گرایشهایی خاص در منطقه به وجود می آید و پوشش مساحت کمتری را بصورت پویشی درون آن منطقه پیموده است. همانطور که استفاده از قنوق در تمام فلات ایران به جز جنوب شرق که در حدود ۱۰۰ ساله از آغاز شده در سایر قسمت ها تقریباً در ۶۰۰۰ م. ق شروع شده است و به دوره زمانی ۳۰۰۰ ساله از آن پیش می آید استفاده از قنوق پوشموند و در جنوب شرق در حدود ۲۰۰۰ م. ق استفاده از قنوق فلات ایران در اوج افتاده از قنوق در ۳۰۰۰ م. ق شمالی به بکاره در چند سده آتش خوری از دست داده و رو به کاهش گذاشته اند.

ظروف سفالی منقوش بی تردید در زمان رونق وسیله ای جهت انتقال اندیشه و پیام جوامع کوچک کشاورزی و شکارچی و باستانی نامادین، تمثیلی و تجریدی بودند. با آغاز شهرنشینی و استفاده از خط ارزش خویش را از دست دادند. خط که با آغاز شهرنشینی در جهت برآوردن ساختن زیادهای جدید این جوامع پروری الواح گلی به صورت نشانه ها و علائم نوشتاری مورد استفاده قرار می گرفتند تا ابداع خط تصویری یا ایدئوگرافی که در نهایت به الفبای امروزی تغییر شکل دادند ادامه یافت.

سفال سیدی



اولین تزئینات نقاشی شده و شناخته شده بروی ظروف سفالی در تمام افق های سفالی که بصورت پیشرفت درون زان اقدام به ابداع و استفاده از نقوش هندسی در تزئین کرده اند را طرحهای هندسی ساده تشکیل می دهند. که بصورت ابتدایی و نامنظم اجرا شده اند.

محققان نقوش ساده ای را که بر گرداگرد ظروف سفالی نقاشی شده اند و شامل خطوط ساده پهن و توپر افقی، عمودی، مورب، زیگزاگ و تزئینات شبکه ای می باشند را سرآغاز تزئین ظروف سفالی در فلات ایران می دانند و بر این عقیده اند که طرح اصلی نقوش ها از تار و پود بافته هایی از قبیل سید ملهم گردیده است (کامیخش فرد، ۱۳۸۹، ۳۲).

سفالگران اولیه پس از تجربه استفاده از تکنیک پینچ در ساختن ظروف سفالی کوچک، ساده و ابتدایی، توانستند با استفاده از تکنیک جدیدتری، با گل مال کردن سطح سیدهای بافته شده از الیاف چکن و شاخه های جوان درختان به تکنیک تولید ظروف سفالی بزرگ تر و با دوام بیشتری دست پیدا کنند.

پس از خشک شدن آن ها را روی آتش می نهاده اند در نتیجه حرارت گل بصورت نیم پخته می شد و بافت سید که از گل بیرون بود بصورت نیم سوخته باقی می ماند و یا می سوخت. در اثر گذر زمان الیاف تشکیل دهنده سیداز روی سطح سفال زده می شدند در نتیجه اثر تار و پود الیاف سید بروی ظرف بصورت خطوط سیاه و فرو رفته بروی گل نیم پخته سطح سفال باقی می ماند و همین آثار به جا مانده از اثر تار و پودالیاف تشکیل دهنده سید است که محققان آنها را مدلی برای ایجاد نقوش سیدی شکل در مراحل بعد می دانند.

چون که ساخت سفال با استفاده از این تکنیک دارای ویژگی های خاصی بود و سفالگران با استفاده مکرر از این تکنیک موفق به ارتفاع آن شدند و توانستند از سید تنها به عنوان قالب استفاده نمایند و سفال ساخته شده را در حالت نیمه خشک از سید جدا و سطح آن را صاف نمایند.

به دلیل اینکه در این روش دیگر الیاف سید درون بافت ظروف سفالی وجود نداشتند و هیچ از آنها بروی سطح باقی نمی ماند، سفالگران توسط رنگ سیاه، قیل و یا بعد از پخت اقدام به نقاشی کردن بروی سطح سفال با طرحهای هندسی ساده و ابتدایی می کردند تا با این عمل سعی در ایجاد نوعی بافت سیدی بروی سفال کنند تا از این طریق محصول تولیدی به نوعی استواری، استحکام و دوام بیشتری را که سفالهای دارای اسکلت سیدی بودند به نحوی به ارم بریند. سفالهای متقوش به این نقوش از تمام الفحای سفالی که دارای فاز سفال بدون نقش هستند و پس از گذر از این فاز با تجربه درونی به تزئین ظروف سفالی پرداختند به دست آمده اند که سفالهای متقوش از این نقوش از سیکل ا، جعفرآباد

از این گروه می باشند.

نقش های ساده هندسی که از ترکیب سه خط اصلی افقی، عمودی و مورب بوجود می آمدند و به نقوش سیدی معروف هستند به تدریج و در طول زمان در اثر کاربرد پی در پی در بستر شرایط خاص اقلیمی، اجتماعی و اقتصادی هر منطقه به آرامی تغییر شکل می دادند که در نتیجه این تغییرها نقوش هندسی به صورت ترکیبی بوجود آمدند.

بر اساس اصول هندسی با ترکیبات گوناگون از این خطوط اصلی می توان نقش مایه های مستقل هندسی از جمله مربع، مستطیل، مثلث، لوزی، هاشور، باندهای پهن و نازک افقی و عمودی را بوجود آورد (طلایی، ۱۳۹۰، ۱۹۲) که در دوره بعد استفاده از نقوش سیدی بروی ظروف سفالی رونق پیدا کردند.

امروزه به طور دقیق بر کسی روشن نیست که این نقوش در درون خود چه رازی را پنهان دارند ولی به طور حتم این نقوش در شرایطی از زندگی در روستاهای اولیه که ساکنان این جوامع ابتدایی در مرحله تجربه کشاورزی به صورت حرفه ای بوده اند و پیشرفت و دوام این جوامع به محصول

پیشتر و آن نیز به نوبه خود به شرایط اقلیمی مناسب، زمین و آب کشاورزی فراوان وابسته بودند مورد استفاده قرار می گرفته اند. زیرا بر طبق بافته های باستان شناسی نقوش در مناطقی که دارای موقعیت مناسب تری برای کشاورزی بوده اند و امروزه نیز به عنوان مراکز عمده کشاورزی فلات ایران مطرح هستند دارای تنوع بیشتری در فرم و شکل هستند و متقوش کردن ظروف سفالی با این نقوش از رونق بیشتری برخوردار بوده است و زودتر از سایر مناطق فلات به نقوش

تکامل یافته متنوع تری دست یافته اند. با استفاده به این نظریه که انسان نقوش را در تمام دوره های قبل و حتی بعد از این دوره بر اساس مواردی که بیشترین تاثیر را بر انسان و زندگی او داشته اند طراحی کرده است به این نتیجه می رسم که این نقوش تجریدی در این دوره به نوعی بیان کننده محصولات کشاورزی و شامل تمام آن جنبه هایی می باشد که بیشترین تاثیر را در برداشت محصول بهتر با استفاده از علم کشاورزی

شناخته شده داشته اند می باشند. در این زمان سفالگران هنوز نقوش را بر اساس اصول و معیارهای نقوش سیدی نقاشی می کردند و در خود قدرت این تابو شکنی را نمی دیدند که نقوش را خارج از ین قالب به تصویر در آورند. که شاید بتوان این را به عنوان دلیل بیان تجریدی قبل از به تصویر کشیده شدن نقوش به صورت طبیعی و واقعگرا بیان کرد. که به طور کلی در تمام افق های سفالی متقوش، نقوش تجریدی قبل از

نقوش واقعگرا و طبیعی بوجود آمده اند. سنت استفاده و کاربرد این نقوش تقریباً تا بعد از اواسط هزاره پنجم ق. م که نقوش حیوانی تجرید بوجود آمدند به تنهایی ادامه داشت اما از این دوره به بعد همراه با سایر نقوش

بوجود آمده از جمله حیوانی، گیاهی، انسانی، نمادین و موضوعی مورد استفاده قرار گرفتند. و در هیچ دوره ای از تاریخ تا به امروز از ارزش نمادین آنان کاسته نشده است و اگر چه کاربرد خود را بروی سفال در دوره هایی از تاریخ از دست داده اند اما در سایر جنبه های زندگی حضوری فعال داشته اند.

از نیمه دوم هزاره پنجم ق.م به این طرف تحولات عظیمی در زندگی ساکنان جوامع روستایی اولیه در فلات ایران پدیدار شدند که ما شاهد تاثیر متقابل آنها بروی ظروف سفالی ساخته شده از این دوره به بعد هستیم. ظروف سفالی که در حدود ۲۰۰۰ سال به تنهایی توسط نقوش هندسی متفوش می شدند از این دوره به بعد تا از بین رفتن سنت متفوش کردن ظروف سفالی شاهد بروز نقوش حیوانی، گیاهی، انسانی، نمادین و موضوعی هستیم و در همین فاصله زمانی تقریباً ۱۰۰۰-۱۵۰۰ ساله نقوشی که بصورت تجریدی نقاشی می شدند نیز به شکل واقعه‌گرا هم در آمدند. نقوش چهارپایان شاخدار (بز،گوزن و قوچ) به عنوان اولین گروه از نقوش حیوانی شناخته می شوند که بعد از نقوش هندسی بوجود آمدند و جهت تزئین ظروف سفالی در فلات ایران مورد استفاده قرار گرفته و این نتیجه کاوشهای صورت گرفته در تمام محوطه های پیش از تاریخ است.

در این میان این گروه از نقوش، نقش بز به عنوان اولین نقش حیوانی درصدا قابل ملاحظه ای از نقوش اکثر اقلق های سفالی دوره نوئسنکی را دلیل اهلی شدن این حیوان قبل از سایر گونه های هموع و تاثیر بسیار بالای آن بر زندگی جوامع روستایی اولیه که تا به امروز نیز ادامه دارد به خود اختصاص داده است.

نقوش حیوانی دارای تنوع بیشتری نسبت به سایر نقوش قبل (هندسی) و بعد از خود (گیاهی، انسانی، نمادین و موضوعی) هستند که تفاوت شرایط خاص اقلیمی حاکم بر هر اقل باعث تنوع گونه های جانوری آن منطقه می شود و این موضوع به خودی خود موجب شناخت ساکنان هر اقل با گونه های جدید و استفاده از نقوش آنان جهت تزئین بوده است.

انواع حیوانات شکاری (پلنگ، ببر، شیر، کفتار، سگ)، انواع پرندگان خشکی زی و آبی (عقاب، مرغ ماهیخوار، لک لک)، انواع حشرات و چارپایان شاخدار (بز، گوزن، قوچ، آهو، خرگوش، لاک پشت، ماهی، قورباغه، مار، مارمولک و عقرب از جمله حیواناتی هستند که به صورت تجریدی و واقعه‌گرا نقاشی شده و تا کنون مورد شناسایی قرار گرفته اند. انسان پس از آنکه توانست با استفاده از نقوش حیوانی ظروف سفالی را تزئین کند. نقوش گیاهی را در حالت طبیعت گرا جهت تزئین ظروف شروع کرد. اما اینکه این دوره

نقوش تجریدی گیاهی به حد کافی بدست نیامده را شاید دیگر دلیل بر تجریدی بودن نقوش هندسی دوره قبل دانست که از نقوش گیاهی بوده اند. این نقوش بر خلاف سایر نقوش که عمدتاً بصورت ترکیبی و همراه با دیگر عناصر نقوش به کار می رفتند نقش مایه های گیاهی را می توان به صورت مستقل و یا تنها با ترکیب دیگر نقوش گیاهی مشاهده کرد.

نقوش گیاهی به فراوانی بروی ظروف سفالی کاربرد داشته اند و دارای تنوع بیشمار می هستند اما به نسبت نقوش حیوانی کمتر قابل شناسایی از حیث نوع گیاه ترسیم شده هستند که محققان دلیل شناسایی نشدن گونه های گیاهی نقاشی شده را امروزه از بین رفتن بافت گیاهی مناطقی می دانند که در آن دوران وجود داشته اند و امروزه به جزء این نقوش دیگر دسترسی به آنان وجود ندارد.

نقوش گیاهی در اکثر موارد بروی سطح بیرونی ظروف با نظم خاصی به صورت مثبت و منفی (نگاتیف) که نقش گیاه بروی بدنه بدون رنگ و اطراف نقش را رنگ کرده اند نقاشی شده اند و نقوش در حالتی بسیار طبیعی مشاهده می شوند، طرح ها بر اساس گیاه کامل هستند و یا به تنهایی با یا ترکیبی از برگ ها، ساقه ها و گل ها می باشند. انسانی یا حیکی بلند و استوار، شکمی فرو رفته، شانه های پهن، موهایی عقب زده شده(کامپخش فرد، ۱۳۸۹، ۶۶)، ایستاده یا نشسته، دست در

دست هم یا نیزه و تیرکمان بدست و یا در حال انجام مراسمی خاص اینها بخشی از عمده ترین شاخصهای نقوش انسانی بدست آمده از کاوشها هستند این نقوش همچون نقوش آغازین گیاهی و حیوانی بصورت تجریدی، سایه و پر طراحی شده و عمدتاً جنسیت انسانها قابل تشخیص نیست و احساس می شود تنها فرم عمل در حال انجام مهم است.

استفاده از نقوش انسانی پس از نقوش گیاهی و حیوانی بیان کننده این مسئله است که ساکنان جوامع روستایی یک رفاه نسبی قابل قبول در حد خویش رسیده بوده اند و جوامعشان در حال گسترش پیدا کردن بوده است در نتیجه لازم چنین جوامعی برای بقا نیاز به نیروی انسانی سالم جهت کشاورزی و تولید مثل و مهمتر از همه دفاع از جوامع در مقابل رقبای که برای بدست آوردن غذا حمله می کرده اند بوده است.

قدیمی ترین ظروف متفوش انسانی از اقلق سفالی چشمه علی بدست آمده اند و پس از آن جنوب غرب و جنوب غرب زاگرس که نسبت به سایر اقلقهای هم عصر خود در مرحله پیشرفته تری چه در زندگی و چه در صنعت سفالگری برخوردار بوده اند.

انسان سفالگر پس از آنکه توانست محیط پیرامون خویش و هر آنچه که درون آن قرار دارد را در ابتدا به صورت تجریدی و سپس طبیعت گرا بروی ظروف سفالی نقاشی کند. استفاده از نقوشی جدید را برای تزئین آغاز کرد تا به جای

طرح جزئیات طبیعی، فقط بدان اشارتی کرده و به جای زندگی لمس شدنی به جوهر اشیاء بپردازد و به جای تصاویر طبیعی نمادها را خلق کند(همان منبع، ۶۶).

هنوز ابعاد مختلف پیدایش نماد و سیر تحول آن در جوامع پیش از تاریخ ایران روشن نشده است، اما به نظر می رسد جوامع پیش از تاریخ نمادها را بر اساس اعتقادات و جهان بینی خود به وجود آورده اند شاید بتوان نمادها را بیانگر هویت و نیازهای مشترک جوامع پیش از تاریخ دانست(طلایی، ۱۸۴).

نمادها مانند سایر نقوش همیشه در مسیر به وجود آمدن و از بین رفتن بوده اند اما استفاده از طرحهایی که امروزه به عنوان نماد می شناسیم از اواخر هزاره پنجم ق.م آغاز گردیده است و در میان همه آن طرحها، طرح رازآلود صلیب شکسته قرار دارد که استفاده از آن در تمام اقلقهای سفالی بیشتر از هر نماد دیگری رونق داشته و توانسته است تا به امروز جایگاه خویش را حفظ کند. اینکه در پس این نماد چه چیزی نهفته است هنوز بر کسی بطور دقیق روشن نشده اما آن را با خورشید، چرخ و گردونه یی ارتباط ندانسته و برای نمایش بیشتر آن صلیب مالتی و صلیب های ساده را نیز بکار برده اند.

نماد یا ستیل را بصورت تجریدی و واقعیت گرا هم نمایش داده اند و برای نمایش آن از طرح کامل نقوش و یا جزئی از آن در ترکیب با سایر نقوش استفاده شده است. همانند نقش بز یا شاخ آن- گل- برگ- انسان و غیره می باشند.

از اول پیدایش نقوش بروی سفالهای پیش از تاریخ نقوش به صورت سایه و ساکن طراحی شده اند(همان منبع، ۱۹۱) اما همان نقوش سایه و ساکن در حال بیان موضوعی بوده اند که در آن تنها برای ساکنان جوامع بوجود آورنده نقش و اقلق های مرتبط با آن

امکان پذیر بوده است و هر چند امروزه هم بدست ما نیز رسیده اند قدرت درک مفهوم آن را نداریم. در آخرین مرحله از دوره رواج استفاده از ظروف متفوش سفالی در پیش از تاریخ، نوعی از نقوش موضوعی جدیدی رایج شده اند که این نقوش با روش بهتری در حال بیان و انتقال مفهوم عملی خاص و مهم هستند تا پیشینه به آسانی و سادگی هر چه بیشتر، مفهوم موضوع به تصویر کشیده شده را درک کند و پیام آن را حتی در دیگر اقلقهای سفالی مرتبط دریافت کنند.

نوعی از نقوش موضوعی جدید در اواسط هزاره چهارم ق.م بروز و ظهور یافتند که نمونه های آن از کاوشهای باستانی از تپه قبرستان دشت قزوین، شوش، سیلک و تل جری فارس و دیگر مناطق باستانی کشف و ضبط شده اند که به صورت واقعیت گرا با زبان تصویری ساده ای موضوع نقاشی شده و از این رو است که از قدرت بیان بالایی برخوردارند. همانند نقش مردی در حال حفاظت از جانوران نشان داده شده که «سلطان جانوران» نامیده می شوند (مچیززاده، ۹۳) نمونه دیگر، گروهی از مردمان را دست در دست هم درحال اجرای مراسم رقص نشان می دهد (شکل ۹۳) (طلایی، ۱۳۹۰، ۱۹۵) و یا ماری که در حال نیش زدن سینه بز می نمایش در آمده است از شاخص ترین نقوش موضوعی شناخته شده تا به امروز از این هزاره می باشند. از پایان هزاره چهارم به بعد بود که استفاده از ظروف متفوش سفالی به آرامی ارزش خود را از دست داد و جایگاه خود را به سفال یکدمست و یکرنگ جدیدی که به نام سفال خاکستری که دیگر تزئین نمی شده داد. پخت مرحله ای است برای تبدیل گل رس شکل داده شده به محصول جدید که به آن سفال می گویند. پخت سفالینه در دوره نوئسنکی توسط زنان خانواده

روستایی و از اجاق خانه ها متنج گردیده است. تکه های نیم پخته در کنار اجاق ها الگوهای اولیه سفال بوده است(کامپخش فرد، ۸۸).

انسان با این تجربه جدید که گل در مقابل حرارت آتش سخت می شود توانست مرحله آغازین پخت سفال را شروع کند. اما این مرحله تا کاربردی شدن همه جانبه سفال در تمام جوامع روستایی آن دوره بوسیله اجاق خانه انجام می گرفت. نمونه سفال های این دوره که به اجاق پخت معروفند تکه هایی از سفال هستند که از کاوشهای گنج دره تپه هر سین کرمانشاه از ۶۹۰۰-۷۳۰۰ ق.م بدست آمده اند که به دلیل عدم توانایی در بالا بردن حرارت پخت، دارای بافتی خشن، پوک، ترد و شکننده هستند که اینها خود دلیل بر پخت درمادی حدود ۵۰۰ درجه سانتی گراد می باشند.

پس از پایان این دوران که با کاربردی شدن همه جانبه سفال در جوامع آن دوره آغاز می شود، پخت نیز همانند دیگر مراحل ساخت شتاب بیشتری به خود گرفت و توانست خیلی سریع از پخت در اجاق خانه به پخت توسط کوره های رو باز در فضای باز تکامل یابد. اساس آلوده شدن، هدف دستیابی به تولید آتیه سفال بوده است. از این رو ابتدا اجاق های بزرگتری را به صورت چهار گوشه و در فضای باز ساختند و سفالها را در این اجاق ها که به ابعاد ۲۰۰×۲۰۰cm و کف آنها همسطح زمین اطراف بود می چیدند(همان منبع، ۱۱). و روی سفال ها را با شاخه های نازک و برگ درختان که سوخت در دسترس بود، می پوشاندند و آتش می زدند در نتیجه تماس مستقیم زیانه های آتش سرکش با سفالها، بعضی گداخته و برخی نیم پخته و کربونیزه باقی می ماندند. سرانجام این تولیدات آتیه، محصولاتی ناقص با ضیاعت فروان بود(همان منبع، ۱۲).

استفاده از این کوره های بسیار ساده و ابتدایی که در اثر برداشت مستقیم از اجاق های پخت و پز خانگی ساخته شده بودند تنها دو یا سه میلی متر از سطوح داخلی و خارجی ظرف نسبتاً خوب پخته می شد و مغز سفال که ضخامت آن معمولاً تا حدود یک سانتی متر می رسید بصورت متخلخل، سیاه، دودزده و خاکستری تیره باقی می ماند. و سفالها دارای طیفی از رنگ قهوه ای تا قرمز روشن و آجری بودند. سفالهای بدست آمده از سیلک ۱، تپه زاغه، اهرنجان تپه، محمدجعفر و تپه سراب که تا کمی پیش از پایان هزاره ششم قبل از میلاد ساخته شده اند از گروه پخت به حساب می آیند. بالاردن دمای کوره به آرامی و ثابت نگه داشتن آن در مدت زمان طولانی تا پخت به خوبی صورت گیرد بر کیفیت سفالهای پخته شده تاثیر مستقیمی دارد. که در عصر نوسنگی از طریق تجربه استفاده از ساقه های کلفت و کنده به همراه

شاخه های نازک و برگ درختان، از دوره قبل بدست آمده بود. نشانه ای از پیشرفت به شمار می آمد اما در این تحول مشکل بزرگ دیگری بر سر راه بود و آن کمبود ساقه های کلفت و کنده درختان به دلیل نبود ابزار مناسب جهت قطع و جمع آوری شان، لذا در جستجوی سوخت مناسب و در دسترس توانستند از گرده تاپاله که دارای ویژگی های لازم جهت ایجاد حرارت مناسب کوره بود استفاده کنند.

روش چیدن ظروف همانند کوره مرحله قبل بود. فقط با این تفاوت که اینبار روی آنها را با گرده تاپاله بصورت هلالی پوشانده و آتش می زدند. نتیجه کار نسبت به دوره قبل قابل قبول تر بود چون که توانسته بودند دمای کوره را در مدت زمان بیشتر بصورت آرام بالا ببرند و ثابت نگه دارند. پخت توسط این سوخت جدید سفالها را از شوک حرارتی که توسط شاخه های نازک در یک لحظه ایجاد می شد محفوظ می کرد.

سفالهای بدست آمده از این دوره دارای طیفی از نخودی روشن تا قرمز و قهوه ای می باشند که وجود رنگ نخودی دلیلی روشن بر پیشرفت در کنترل و بالاردن حرارت کوره های این دوره است اما هنوز در برخی از نمونه ها مغز سفال به خوبی پخته نشده و دودزده باقی مانده اند که نسبت به دوره پیش از درصد پایین تری برخوردارند. از این نوع روش پخت در محدوده زمانی ۵۰۰۰ ق.م استفاده شده است.

استفاده مداوم و پی در پی از کوره های روباز که در مسیر صحیح قرار داشتند در اوایل هزاره پنجم ق.م به تغییرات در ساختار و روش استفاده از آنها انجامید. در این دوره با گود کردن محیط داخل کوره به عمق ۴۰-۵۰ cm و با ایجاد دیواره ای به همین ارتفاع در اطراف کوره همسطح موفق به

بدست آمده اند. در اواخر هزاره پنجم و اوایل هزاره چهارم ق.م تولید کنترل بهتر حرارت و بیشتر از آن کنترل تاثیر مستقیم باد بر آتش شدند تا از این طریق از هدر رفتن حرارت در مرحله

پخت و شکستن و از بین رفتن ظروف به دلیل پایین آمدن ناگهانی حرارت کوره تا حد امکان جلوگیری کنند. و با پهن کردن مواد سوختی زود سوز مانند کاه و ساقه های نازک در کف کوره و استفاده از مواد سوختی دیر سوز مانند کنده درخت و تاپاله بر روی سفالها توانستند حرارت کوره را به بهترین نحو تا آن روزگار کنترل کنند از این رو است که سفالهای این دوره به خوبی پخته شده اند و دارای رنگی همگون و یکدست در طیفی از نخودی روشن تا قرمز بوده اند و از کاوشهای باستانی از لایه های مربوط به ۴۳۰۰-۵۰۰۰ ق.م نمونه کوره ها و سفالهایی از لایه II تپه قبرستان قزوین و جعفرآباد شوش (سوزبانای)، سیلک ۱ بدست آمده اند.

در اواخر هزاره پنجم و اوایل هزاره چهارم ق.م تولید محصولات جدید با رنگی یکدست و خوشرنگ شروع شده

شکل کوره های اولیه





سفال کلپورگان قبل از پخت

سنگ تیتوک: سنگ تیتوک از محلی به نام کوه آچار، بین دو روستای «کهنکار» و «کوران» از بخش مرکزی شهرستان مهرستان تهیه می‌شود. این محل در فاصله ۱۴۰ کیلومتری شرق روستای کلپوره گان قرار دارد. با آنالیز این سنگ به روش فلورسنسی پرتوایکس ترکیبات اکسید منگنز، اکسید آهن و اکسیدسیلیسیم پالائین درصد عناصر را تشکیل می‌دهند که اکسید سیلیسیم بر ثابت کردن نقوش بر روی بدنه و اکسید منگنز و آهن تاثیر مستقیم بر رنگ سیاه نقوش در مرحله بعد از پخت دارند و دیگر ترکیبات که از آنالیز این سنگ بدست آمده اند عبارتند از:

پیه: پیه بدلیل خاصیت چرب بودن جهت مالیدن بر روی سطح سفال قبل از مرحله نقاشی کردن مورد استفاده قرار می‌گیرد تا در مرحله رنگ گذاری از جذب رنگ توسط سفال جلوگیری کند این عمل باعث می‌شود تا نقوش از کیفیت وضوح بیشتر برخوردار باشند و کار زیباتر به نظر آید.

سوخخت: سوخت جهت پخت سفال در آخرین مرحله از آماده سازی ظروف سفالی برای استفاده، صورت می‌گیرد. برای ایجاد حرارت جهت پخت ظروف سفالی در گذشته از شاخه و کنده درخت خرما و درختان وحشی منطقه استفاده می‌شد ولی امروزه از سوخت های فسیلی برای انجام این کار استفاده می‌شود.

الف: مواد اولیه

مواد مورد استفاده در سفال کلپوره گان شامل خاک و آب جهت تولید گل، سنگ تیتوک و پیه جهت نقاشی کردن و سوخت جهت پخت می‌باشند که در این محیث بیان می‌شوند.

خاک: خاک که در تولید گل مورد استفاده قرار می‌گیرد توسط مردان از معدن رویاز شش کوتک که در فاصله ۵ کیلومتری روستا قرار دارد تهیه می‌شود این خاک را در لهجه محلی هیچک می‌گویند که به رنگ خاکستری متمایل به سبز بسیار روشن است و پس از خیس شدن، به رنگ خاکستری متمایل به سبز زیتونی بدل می‌شود. در آنالیز این خاک به روش فلورسنسی پرتوایکس جهت تعیین نوع و مقدار اکسیدهای اصلی نتیجه زیر حاصل شده است. در این ترکیبات اکسیدکلسیم، اکسیدسدیم و اکسیدتاسیم گدازآور هستند و اکسید آهن اکسیدتیتانیوم و اکسیدمنگنز با رنگ سفال و اکسیدآلومینوم و اکسید سیلیسیم با درجه سختی سفال رابطه مستقیم دارند.

آب: آب مورد نیاز جهت استفاده و ترکیب با خاک از قنات روستا تامین می‌شود و فاقد ترکیبات سنگین می‌باشد.

بود نسبت به رنگی که دارند از سفالهای دوره قبل در وضعیت بهتری از هر لحاظ، پخت صورت گرفته است.

محصول جدید که امروز با نام سفال نخودی شناخته می‌شود توانست خیلی سریع جایگاه ویژه‌ای در میان استفاده کنندگان پیدا کند. تولید این سفالها در نتیجه ابداع نسل جدیدی از کوره ها بود که دما در آن به بالای ۱۰۰۰ درجه سانتی گراد می‌رسید. نمونه این کوره ها در یاریم تپه گرگان دوره مربوط به هزاره چهارم قبل از میلاد کشف شده است این کوره سفالیزی دارای طرح استوانه‌ای است که نیمی از آن در زمین و گودال قرار گرفته و نیم دیگر دیواره کوناهی بوده که دهانه مخزن سوخت و هوا را در آن تعبیه کرده بودند. جریان باد از این مخزن با مواد سوختی وارد می‌شد و حرارت از سوراخ های سکو که روی آن سفالیه ها چیده شده بود به اتاق پخت که دارای سقف موقت بود منتقل می‌گردید. در شوش ۱ و باکون ۸ نیز ساختار کوره های سفالیزی عبارت بود از چاله کوره و سکو مشبک با ۲۵ شبکه. کوره های شوش دارای سقف موقت و کوره های باکون دارای سیزده سوراخ مدور بوده اند (همان منبع، ۹۰) که سفالهای نخودی رنگ در همین کوره ها پخت شده اند.

جدا بودن آتشدان و اتاقک پخت در این کوره ها دارای مزایای کمترین شایعات در هنگام پخت، سفالهای سخت، خورنگ و یکدست بود. این نوع از کوره های ساده دارای سیستم مکش جریان هوا به بالا بودند و نوع دیگر کوره های تکامل یافته تر از این نوع ساخته شدند که دارای سیستم مکش جریان هوا به پایین بودند کوره های امروزی هر چند از نظر شکل ظاهری از کوره های ابتدایی انواع بالا متفاوت هستند اما از نظر اساس کار بر پایه دو نوع سیستم ذکر شده در بالا ساخته می‌شوند.

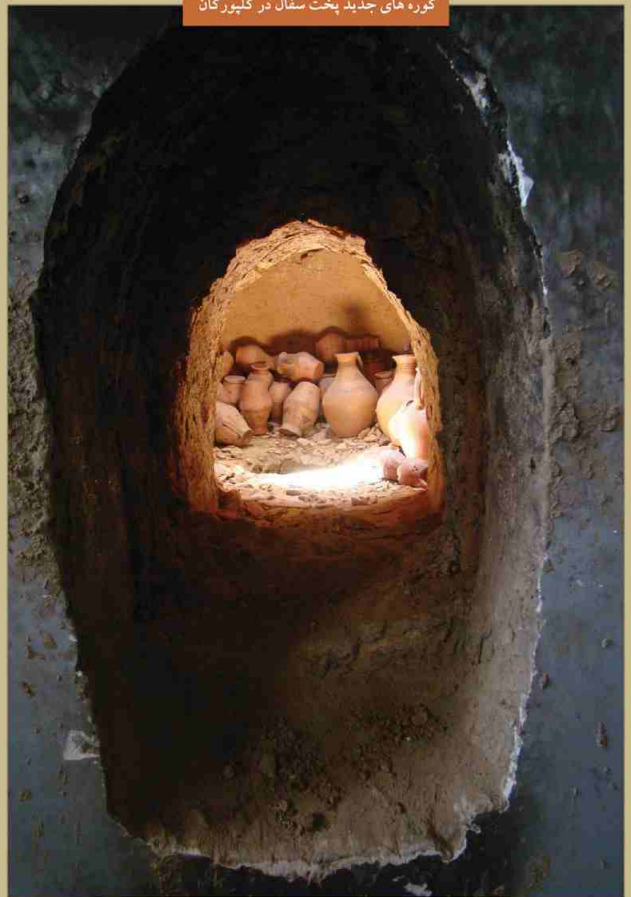
سفال کلپوره گان

در این فصل به بررسی سفال کلپوره گان و روشهای ساخت آن خواهیم پرداخت. کلپوره گان روستایی است در فاصله ۲۷ کیلومتری شرق سروان در استان سیستان و بلوچستان که از تهران حدود ۱۹۳۰ کیلومتر به طرف جنوب شرق ایران فاصله دارد.

کلپوره گان که در اصطلاح عامیانه محلی «کلپوره کان» گفته می‌شود از ترکیب دو کلمه «کلپوره» که نام گیاهی یا مصرف دارویی است و در دشت های منطقه به وفور یافت می‌شود و کلمه «کان» که پسوند جمع مکانی می‌باشد به وجود آمده و به معنی محلی «کلپوره» وجود دارد می‌باشد.

این روستا دارای آب و هوای خاص مناطق نیمه خشک، که تابستان گرم و زمستان سرد از عمده ویژگی های آن‌ها می‌باشد است و عمده فعالیت مردم روستا تولید نوعی خاص از سفال

کوره های جدید پخت سفال در کلپورگان



ابزارهای کار:

گل موش: کلمه ای است ترکیبی از دو کلمه گل + موش، که گل در آن به معنی خودگل است و موش به معنای مالیدن است و ترکیب این دو کلمه به معنای «وسيله ای جهت مالیدن گل» می باشد. گل موش تکه چوبی است به شکل مستطیل در اندازه ی ۲۵×۵×۵/۵cm که جهت اتصال قتیله به هم و بالا آوردن گل از پایین مورد استفاده قرار می گیرد.

کُرُوک: معادل آن در فارسی کاردکس است. تکه ورقی است فلزی در اندازه تقریبی ۱۲×۲cm و مستطیل شکل که می توان از یک چاقوی کوچک یا نصف تیغه اره ای آهن بُر نیز استفاده کرد. از این وسیله بعد از ساختن سفال و در حالت نیمه خشک برای از بین بردن ترکها، نازک، سبک، و یکنواخت کردن سطح سفال استفاده می شود و انجام این مرحله به مهارت خاصی احتیاج دارد.

سُونُوک: به معنی وسیله ای جهت سائیدن و برق انداختن است. تکه سنگی است صاف، صیقلی و میخی شکل به اندازه گردو جهت صاف کردن و صیقل دادن سطح سفال

بُونُو: بونو از کلمه بُن که به معنای زیر است ساخته شده است. و به دلیل این که در زیر کار قرار می گیرد و قطعه سفالی بروی آن ساخته می شود به این نام خوانده می شود و در عمل همانند چرخ سفالگری ساده می باشد که به وسیله انگشتان پا حرکت داده می شود. و عبارتست از پشقای مدور، توپُر و مسطح به ارتفاع ۵ سانتی متر که قطر پایه آن ۱/۳ دهانه آن است و جنس آن از سفال می باشد.

گُذ: گُذ به معنای پارچه است. تکه پارچه ای به اندازه سطح بُونُو که روی سطح آن قرار می گیرد و لایه ای ما بین پایه و زیرکار ایجاد می کند تا مانع چسبیدن زیرکار که به صورت گل است، با سطح پایه شود.

بونو و گد و کروک



سُونُوک





نقاشی کردن روی سفال

رانش گل به اطراف به وسیله انگشتان دو دست حفره ایجاد شده را پس از این مرحله به بعد جهت منظم تر شدن فرم ظاهر ظرف آن را روی پارچه و بونو قرار می دهند و توسط گل موش و دست، دیواره های ظرف را تا بدست آمدن فرم کلی به جهت مناسب هدایت می کنند و همزمان با کار با گل موش سفالگر به وسیله انگشتان پا، بونو را حول یک نقطه به چرخش در می آورد. چرخش بونو حول یک نقطه در جهت تولید ظروف منظم و دایره بسیار مهم است.

ب) روش قتیله ای: این روش تکامل یافته روش قبل است. ابتدا مقداری گل را به عنوان پایه و زیر کار روی سطح پارچه بونو پهن می کنند سپس قتیله هایی لوله ای شکل با استفاده از گل آماده می سازند و آنها را یکی پس از دیگری از پایین به بالا جهت ایجاد دیواره روی هم قرار می دهند. ضمن قرار گرفتن قتیله ها بروی هم و اتصال و دوخت آنها به هم توسط گل موش، بونو را توسط انگشتان پا در یک نقطه به حرکت در می آورند. با تکرار عمل چرخش بونو و کشیدن گل موش خیس بروی سطح بیرونی و تا حد امکان سطح داخلی ظروف، ظروف تولیدی شکلی منظم، دایره وار و نازک پیدا می کنند.

شدن دیواره ظرف می شود دوم که بزرگتر است می ریزند و تا زمان گرفته شدن آب اضافی آن، گل درون حوضچه باقی می ماند و سپس آن را جمع آوری کرده و بصورت لگدمال، ورز می دهند و برای ۱۰ الی ۱۵ روز به دور از هوازدگی و در محیطی گرم، درون پلاستیک نگه می دارند تا رطوبت به تمام گل نفوذ کند و عمل آید. پس از این مدت گل آماده استفاده جهت تولید است.

روشهای ساخت سفال کلپوره گان

روش های ساخت ظروف سفالی در کلپورگان بدون استفاده از چسرخ های سفالگری دور کند و تند است. و عمل فرم دهی و تولید فقط با استفاده از ابزار ابتدایی و دست به دو روش پینچ و قتیله ای صورت می گیرد.

الف) روش پینچ: روش پینچ ساده ترین روش شکل دهی گل جهت تولید ظروف سفالی است اما با این روش فقط می توان گونه های کوچک همانند لیوان و سرقلیان را تولید کرد. در این روش ابتدا چانه ای از گل آماده برداشته و به وسیله انگشتان دست حفره ای در میان آن ایجاد کرده و با



تیشوک و وانک و لنگ

روش تهیه گل

تهیه خاک از معدن و آماده سازی گل وظیفه مردان روستا است. در گذشته قبل از ترکیب خاک با آب، خاک را برای خرد کردن کلوخ های آن می کوبیدند و سپس در مسیر باد، هوا می دادند تا اگر ناخالص در خاک وجود دارد از آن جدا شود و سپس به آن آب اضافه و برای مدتی به این حالت می گذاشته اند تا آب آن را به خوبی پخشاند. گل بدست آمده را با دست چسنگ می زده و با پا لگدمال می کرده اند تا هوا از آن خارج و آماده قرار گرفتن درون خمیره برای مدتی شود تا در نتیجه خواباندن، رطوبت به کوچکترین اجزاء آن نفوذ کند تا کارایی گل در حین تولید افزایش یابد از این گل می توان در تولید ظروف سفالی استفاده کرد. اما امروزه عمل تصفیه خاک در کارگاه سازمان میراث فرهنگی که در دهه ۵۰ شمسی احداث شده است به صورت حوضچه ای صورت می گیرد. در ابتدا خاک حمل شده را درون حوضچه ای کوچک می ریزند و به آن آب اضافه می کنند تا دوغاب بدست آید، دوغاب بدست آمده را از الک که عمل فیلتر را انجام می دهد گذرانده و به داخل حوضچه بتدریج گشادتر می کنند و این عمل باعث نازک

بعد از خشک شدن کامل و قبل از نقاشی کردن آن، بدین صورت که در ابتدا محلی که باید صیقل داده شود را تم دار کرده و سپس سنگ را در محل مورد نظر با حرکت منظم دست به حرکت در می آورند تا صاف و صیقلی به نظر آید. وانک: به معنی سنگ ساب می باشد. تکه سنگی تخت در اندازه ۳۰×۲۰ سانتی متر که بر اثر استفاده مداوم، گوده افتاده است. سنگ تیشوک را جهت درست کردن جوهر بر روی آن می سابند و همزمان با این عمل به آن قطره قطره آب اضافه می کنند تا جوهر یکدست برای استفاده در نقاشی کردن سفال بدست آید. لنگ: به معنی چوب کوچک است. تکه چوبی به طول تقریبی ۴ cm و قطر ۵mm که به تناسب ظرافت نقوش نوک آن را نازک و ریش ریش می کنند و به عنوان قلمو جهت نقاشی کردن سفال استفاده می شود. سفالگران از چوب دو نوع درختچه بنام های «گریچ» و «گیشیر» که بصورت خودرو و وحشی در دشتهای اطراف روستا می رویند استفاده می کنند. چوب این درختچه ها آب اضافه را به خود جذب نمی کنند و همین خاصیت باعث شده تا عمل رنگ گذاری با آن ها بهتر انجام شود و عمر مفید بیشتری در زمان انجام کار داشته باشند.

پس از پایان شکل دهی کلی ظروف، اگر ظروف احتیاج با الحاقاتی همانند دسته و لوله داشتند، جداگانه ساخته می شود و بروی ظروف نصب می کنند.

پس از پایان این مراحل در هر دو روش تولید، ظروف ساخته شده را در نیمسایه قرار می دهند تا به صورت نیمه خشک جهت انجام مرحله بعد توسط ابزار کروک شود. با استفاده از کروک سطح خارجی ظروف را با تراشیدن گل اضافی تا حد امکان صاف و یکنواخت می کنند و با این روش از ضخامت اضافی ظروف کم می کنند. پس از انجام این مرحله ظروف را دوباره در نیمسایه قرار می دهند تا کاملاً خشک شوند و برای مرحله بعد که نقاشی کردن است آماده شوند.

تزئینات:

تزئینات بروی سفال در کلپوره گان بیشتر به روش نقاشی کردن نقوش کاملاً هندسی و ساده صورت می گیرد. آماده سازی سطح کار و رنگ و نقاشی کردن دارای مراحل است که انجام پرتیب این مراحل به نوبه خود در کیفیت و ظاهر نقوش تاثیر مثبت دارند.

۱) مهره کشیدن:

این اولین مرحله جهت آماده سازی ظروف برای نقاشی کردن است که پس از خشک شدن کامل صورت می گیرد. در این مرحله سطحی که باید روی آن نقاشی شود را توسط سنگ سوبونک یا از بین بردن ترکهای نازک و یکنواخت کردن سطح سفال آترا خیس و نمدار می کنند تا لایه ای نازک از گل از سطح جدا شود و توسط سنگ سوبونک به داخل ترکها و پُرژه نفوذ کند تا سطحی یکدست و براق در آید.

۲) چرب کردن:

چرب کردن سطح ظروف بعد از عمل صیقل دادن آن و توسط پیه صورت می گیرد. پیه بدلیل جامد بودن در حالت طبیعی در زمان کشیدن بروی سطح لایه ای نازک از خود برجامی گذارد. این لایه نازک باعث می شود تا جوهر نقاشی قبل از پخت بیش از اندازه جذب بدنه نشود که جذب بیش از اندازه باعث تخریب و از بین رفتن نقوش یا پایین آمدن کیفیت آنها می شود.

چربی موجود بروی سطح کار هیچ تاثیری بر ترکیبات رنگ و خاک ظروف ساخته شده ندارد و در دمای ۱۰۰ سوخته و از بین می رود.

۳) آماده سازی جوهر:

برای آماده کردن جوهر، ابتدا سطح وانک را خیس کرده و تکه ای سنگ تینوک به اندازه کف دست برداشته بروی وانک می کشند و همزمان قطره قطره آب اضافه می کنند.

نقاشی کردن:

این آخرین مرحله قبل از پخت سفال است. سفالگر در این مرحله با استفاده از تجربه و مهارت خویش که در نقاشی کردن دارد نقوش هندسی را بوسیله لُک بروی سطح سفال ترسیم می کند. در بعد از مرحله پخت ظروف منقوش را در آب می خوابانند تا نقوش به وسیله رطوبت به داخل بدنه نفوذ کرده و بعد از خشک شدن حالت ثابت پیدا کنند.

شیوه منقوش کردن تنها شیوه ای است که در تزئین ظروف سفالی این روستا استفاده می شود. نقوش با تکرنگ سیاه بروی سطح بیرونی تمام ظروف و فقط سطح داخلی و بیرونی کاسه ها نقاشی می شوند و تنها بروی ظروف مخصوص پخت غذا نسبت به سایر ظروف تزئین کمتری صورت می گیرد. نقش مایه ها بدون استثناء ترکیبی از نقش های هندسی ساده هستند که از خطوط افقی و من مورب نازک، نقطه و دایره های کوچک تشکیل شده اند و از ترکیب و تکرار آنها در جهت ایجاد نقوش کلی و اصلی استفاده می کنند.

بررویی سطوح ظروف می توان نقوش خطی افقی و یمن بروی لبه ها، زنجیرها تشکیل شده از دایره های کوچک قرار گرفته در کنارهم بصورت افقی، نقطه های ردیفی بصورت افقی و عمودی، مثلث های شکل گرفته از نقطه و خطوط مورب را مشاهده کرد.

نقوش براساس نام هایی که از گذشته بروی آنها قرار داده شده اند شناسایی و معرفی می شوند که عبارتند از:

گونه های ظروف سفالی در کلپورگان براساس نیاز جوامع روستایی که اقتصاد آنها بر پایه کشاورزی و دامداری قرار دارد و نیازی که این جوامع به جمع آوری، نگهداری، آماده سازی و استفاده از مواد غذایی دارند ساخته و پرداخته می شوند. طیف وسیعی از فرمها و شکلهای مختلف مصرفی در کنار آنها آئینی خاص مانند اسپند دودکن پایه دار و گلاب پاش به شکل حیوان که در مراسم ها کاربرد دارند را می توان دید.

ظروف براساس کاربردشان به صورت های کروی، دسته دار و بدون دسته، بزرگ یا کوچک، پایه دار و بدون پایه و دارای در و بدون در ساخته می شوند از این لحاظ است که گفته می شود هیچگونه محدودیت گونه تا حدی که نیازها برآورده شوند در تولیدات سفال کلپورگان وجود ندارد.

انواع ظروف و تزئینات



نتیجه گیری و پیشنهادت

در این پژوهش سعی شد تا با مطالعه و بررسی مدارک و شواهد موجود و بدست آمده از تپه های باستانی شناخته شده در فلات ایران قدمت سفال کلپوره گان را در حد واقعی بدست آوریم.

در نتیجه ی سوالات تحقیق به پاسخ های زیر نزدیک شدیم. سه سوال تحقیق به این ترتیب بوده است:

۱) قدمت مراحل ساخت و پرداخت سفال درکلپوره گان مربوط به چه دوره ای است؟

۲) آیا تمامی مراحل ساخت و پرداخت سفال کلپورگان به هم مربوط می شوند؟

۳) سفال دوره نوسنگی فلات ایران به چه روش یا روش هایی تولید می شده است؟



در پاسخ به این سوالات باید گفت: بر اساس تحقیقاتی که در فصل دوم انجام شد و بررسی روشهای ساخت سفال نوسنگی، و اینکه که سفال کلبوره گان یا توجه به اینکه سفالی است که نسل به نسل و سینه به سینه با همین روش کار شده است، به نظر می رسد سفال کلبوره گان بی ارتباط به سفال نوسنگی نباشد. انطباق روشهای ساخت و مصالح و ابزار کار این نظر را تقویت می کند. تمامی مراحل ساخت سفال کلبوره گان به طریقی با هم در ارتباط می باشد، گل و ابزار بومب منطقه است و مراحل اولیه تا آماده سازی گل توسط مردان انجام می شود و مرحله ی ساخت مربوط به زنان می باشد. سفال نوسنگی ایران با روشهای پنج، فیتله ای و سبدی کار می شده است که همین روشها را در ساخت سفال کلبوره گان نیز می بینیم. آخرین مراحل تکامل چرخ برای رسیدن به دور کند در حدود اواخر هزاره ی پنجم پیش از میلاد بوده است. همچنین کوره های مورد استفاده در کلبوره گان تا قبل از دهه ی چهل شمسی چاله کوره بوده که مربوط به آخرین مرحله ی تکامل کوره های رویاز بوده است، بعد از این دوره است که کوره های دیواره دار و داری مکش بالا و مکش پایین رواج پیدا می کند و علاوه بر اینها درباره ی نقوش سفال کلبوره گان باید ذکر شود که نقوش حیوانی بعد از سالهای ۴۳۰۰ پیش از میلاد رایج شده است و قبل از آن خارج از نقوش هندسی، آنچنان که در نقوش سفال کلبوره گان دیده می شود نقش دیگری اهم از موضوعی و سمبولیک و حیوانی به چشم نمی خورد، بر اساس شواهد فوق و آنچه در فصول قبلی توضیح داده شد، این پژوهش قدمت سفال کلبوره گان را مربوط به هزاره ی پنجم پیش از میلاد می داند. در نهایت لازم به ذکر است که پس از گذشت چهار دهه از احیا و بازگشایی کارگاه سفال کلبوره گان در این روستا، برنامه های حمایتی اولیه کم رنگ شده اند و ضعف در شکل بازاریابی و بالارفتن سطح معیشت مردم منطقه تولید رو به کاهش گذاشته است. و اگر برنامه های حمایتی اولیه دیواره به اجرا در نیایند شاهد از بین رفتن تولید سفال در این روستا، تا مدت زمانی نه چندان دور خواهیم بود. و ما با چشمانی باز آن را در این مسیر همراهی می کنیم.

- کتاب-شناسی و منابع
۱. ملک شهیرزادی، صادق. (۱۳۹۰). «سفال دوره ی نوسنگی در فلات مرکزی ایران». چاپ اول. تهران، انتشارات سمت.
 ۲. کامبخش فرد، سبف الله. (۱۳۸۹). «سفال و سفالگری در ایران از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر». چاپ چهارم. تهران، نشر ققنوس.
 ۳. هاووز، آرنولد. (۱۳۷۵). «تاریخ اجتماعی هنر». ترجمه-ی. ابراهیم یونسی. چاپ اول. تهران، انتشارات خوارزمی.
 ۴. توحیدی، فائق. (۱۳۷۸). «فن و هنر سفالگری». تهران، انتشارات سمت.
 ۵. طلایی، حسن. (۱۳۹۰). «هشت هزار سال سفال ایران». تهران، انتشارات سمت.
 ۶. صیوری، تیمور. (۱۳۸۰). «مقایسه سفال شهر سوخته و کلبوره گان و بررسی سفال معاصر». دانشگاه سیستان و بلوچستان.
 ۷. ابوالحسنی، زهر. (۱۳۷۸). «بررسی سوزندوزی بلوچ (چاپ بایک)». دانشگاه سیستان و بلوچستان.
 ۸. مشکور، محمدجواد. (۱۳۷۱). «جغرافیای تاریخی ایران باستان». تهران، نشر دنیای کتاب.
 ۹. محمدخانی، داریوش. (۱۳۸۲). «نگارانه». دانشگاه سیستان و بلوچستان. مقالهی منتشر نشده.
 ۱۰. ترکمانیان، مرضیه. (۱۳۷۹). «گزارش پیرامون سفال کلبوره گان و وضعیت فعلی آن». سازمان میراث فرهنگی.
 ۱۱. معاونت آمار و انفورماتیک سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان سیستان و بلوچستان. (۱۳۸۲). «سالنامه آماری ۱۳۸۱».
 ۱۲. جنتن، د.و. (۱۳۷۹). «تاریخ هنر». ترجمه پرویز مرزبان. چاپ سوم. تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
 ۱۳. طاهری، فهیمه. (۱۳۸۷). «نگوشی بر سفال کلبوره گان». اداره فنی و پژوهشی صنایع دستی استان سیستان و بلوچستان.
 14. Mellaart, James. (1965). "Earliest civilization of the near east". London, Thames&Hudson.
 15. Rhodes, Daniel. (1996). "clay and glazes for the potter". London, A&C black. 15.
 16. Rhodes, Daniel. (1968). "kilns design construction, and operation" Philadelphia, Chilton book company.
 17. Whensley, Doug. (1977). "pottery the essential manual". London, Thames&Hudson.
 18. Rudgres University Press. (2002). "women potters". New jersey, New, Brunswick.

کلپورگان؛ جهانِ کهنِ سفالِ زنانه

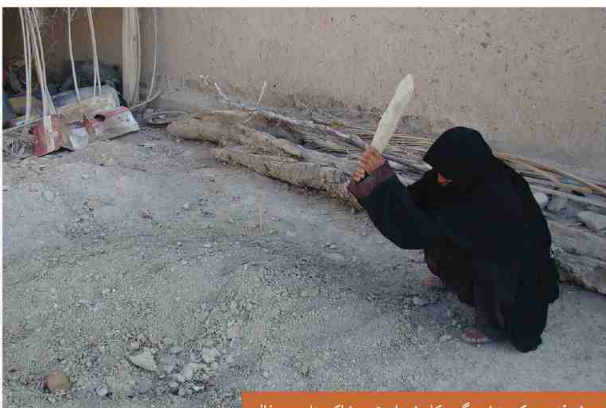
■ کلسوم بزی

گل سفال دست یابند. آنها از زمانی صحبت می‌کنند که مجبور بودند آتقدر یا سنگ بزرگ استوانه‌ای روی سنگ و کلوخ بکوبند تا سنگ خاک شود و دست زنان هم زیر و خونی، خوشحال بودند که امروز می‌شود با لودر تپه‌ی گل دیگی در دامنه‌ی کوه شکوتک را شخم زد و در نهایت، کوبیدن آنچه بدست می‌آید آتقدرهام سخت نیست. می‌گویند دستهایمان هر روز درد می‌کند. همه‌ی بدنمان درد می‌کند. مدنی کارگاه در انحصار گروه خاصی بوده ما اجازه‌ی ورود به کارگاه نداشتیم. مجبور بودیم در خانه سفالگری کنیم و خاک از کوه بیاوریم و بکوبیم و این همه درد فراوان داشته است.

سفالگری اغلب انتخاب اول زنان امروز کلپورگان نبوده است. دختران جوان و نوجوان کلپورگان اغلب دوست دارند معلم شوند و یا به مشاغل دیگر مرسوم روی بیاورند. وقتی مشکل نبود مدرسه در روستا و تعصبات قومی و مذهبی راه را بر ادامه تحصیل و راه یافتن به دانشگاه و مشاغل دیگر ببندد، آن وقت سفالگری در موزه‌ی زنده را انتخاب می‌کنند. سفالگری در کلپورگان کار سخت و طاقت فرسایی بوده است. این را زنان سالخورده‌ی کلپورگانی می‌گویند که بیش از ۶۰ سال از عمرشان را صرف کوبیدن سنگ کوه شکوتک کرده‌اند تا به خاک مورد نظر برای تهیه‌ی

عشق و علاقه‌ای به انجام کار سفالگری در زنان کلپورگان وجود دارد چرا که این هنری است کهن و در وجود زنان نشسته است. با شروع کار، شوق آنها برای ادامه بیشتر می‌شود و واقعا انجام کار را دوست دارند. در کلپورگان هر زنی از شش-هفت سالگی سفالگری را تجربه می‌کند. بیشتر زنان، کارگاه را که با عنوان موزه زنده سفال کلپورگان شناخته می‌شود دیده‌اند. اما عشق هست و نیست. مثل این است که شما چیزی را دارید اما چیزهای دیگری هم می‌خواهید. سفال مثل دارایی زنان است. اما از نظر ایشان این دارایی باید به کاری دیگر هم بیاید. این دارایی همه‌ی آن چیزی نیست که زنان کلپورگان می‌خواهند.

جمعیت کل روستای کلپورگان: ۶۲۰ نفر
تعداد زنان: ۳۰۵ نفر
تعداد مردان: ۳۱۵ نفر
تعداد جوانان: ۴۰۰ نفر
فارغ التحصیلان دبیرم و بالاتر: ۵۷ نفر
آمار بازدیدکنندگان در سال: حدوداً ۲۰ هزار نفر
مساحت: ۶۵ هکتار



روش قدیمی کوبیدن سنگ و کلوخ برای تهیه خاک مناسب سفال



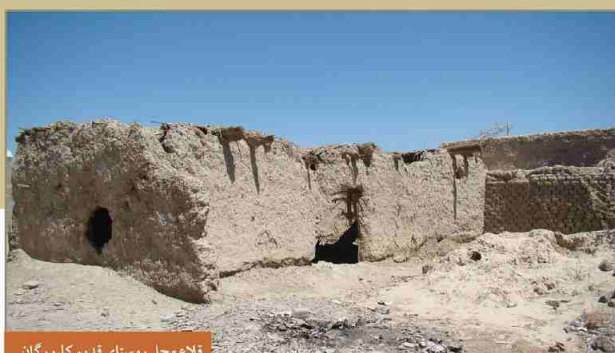
کارگاه و حضور زنان سفالگر



آرامگاه بی بی کلپورگ در کلپورگان

چشم می‌خورند و عمل نقش‌پردازی به وسیله انگشتان دست صورت می‌گیرد که این مرحله ای پیش‌تر از کشف قلم موهایی از شاخه‌ی درختان است. البته اعتقاد بر این است که در ابتدا سفالگران همه‌ی مناطق زنان بوده‌اند و به مرور در برخی جاها نقش سفالگری زنان به مردان تفویض شده است. باری مردم کلپورگان می‌گویند در کلپورگان زن و مردی را نمی‌یابید مگر اینکه تجربه‌ی سفالگری داشته باشد، کسانی که امروز در روستا زندگی می‌کنند و سفالگری بلد نیستند، کلپورگانی نیستند و بواسطه‌ی ازدهاج و... به این روستا آمده‌اند و طبیعی است با این فن آشنا نبوده و اغلب علاقه‌ای به یادگیری نداشته‌اند. اصلی‌ترین شغل مردم بخصوص زنان سفالگری بوده است اما برای ساخت کبر و ظروف مورد نیاز، مردان و زنان روستا به حصیریایی هم اشتغال داشته و زنان برای تهیه‌ی لباس سوزندوی می‌کنند. هنوز هم سفال کلپورگان محصولی کاربردی است. در کاسه‌ای سفالی پرایمان خرما می‌آورند، در پارچ سفالی بر سر سفره آب گذاشته‌اند و می‌گویند در همین ظرفها ماست پسته‌اند و بر روی اجاق سفالی و در ظرفی سفالی خورشتی پخته‌اند و در عودسوز سفالی استندی و عودی دود کرده‌اند و این همه زنده بودن سفال پرایم جالب است. فاطمه ۱۳ ساله است و از هفت سالگی در کارگاه سفالگری کرده است او با شوق زیاد کار می‌کند و ضمن علاقه به نقش و فرم های جدید می گویند: دوست دارم نقش جدید بزنم اما می گویند نقش های قدیمی بهتر است و من هم حرف گوش می‌کنم.

به آن سوگند می‌خورند. بی بی کلپورگ هم داستانی مشابه بی بی دوست در سیستان دارد با این تفاوت که به جای برادر، در جریان فرار از دست دشمنان، همراه وی بانویی دیگر به نام بی بی هاجر بوده است. نام دیگری هم برای آرامگاه و بی بی کلپورگ دارند و آن درویش ولی است. از زمانی که مردم روستا به خاطر می‌آورند هر خانواده خارج از قلعه با داز و پیش خرما و حصیر، کبری می‌ساخت و زنان زمانی از شبانه روز را به طور مستمر در این کپرها می نشستند و اغلب با کمک مردان خاک می‌کوبیدند و گل آماده می کردند و به تنهایی سفالگری می کردند. بخصوص زدن نقش روی سفال کاملاً کاری زنانه بود. سفالی که زنان می‌ساختند، توسط مردان به ایرانشهر، مگس، جالق و اسپنج و... برده شده و با گندم و خرما و روغن معاوضه می‌شد. شغل مردان عمدتاً کشاورزی و به طور خاص سبزی کاری بوده و تره و جعفری و تربچه و گشنیز و... می‌کاشتند و تا همین اواخر سبزی مورد نیاز سران و شهرهای اطراف توسط مردم کلپورگان تامین می گشت. زمانی که مردان برای فروش سفالها و شکار به خارج از روستا می‌رفتند، کار آبیاری زمین‌ها و کشاورزی با زنان بود. مردان به وقت نیاز نان می‌پختند و غذا درست می‌کردند. سفالگری کار مهم و مقدسی بود و مردان دریافته بودند زنان بهتر از آنها از عهده‌ی ظرایف کار برمی‌آیند، با این حال به وقت نیاز ساخت ظروف را تا مرحله مهره‌کشی هم انجام می‌دادند اما نقش‌پردازی عملی زنانه تلقی می‌شد. در مناطق دیگر بلوچستان مردان سفالگر بیش از زنان به



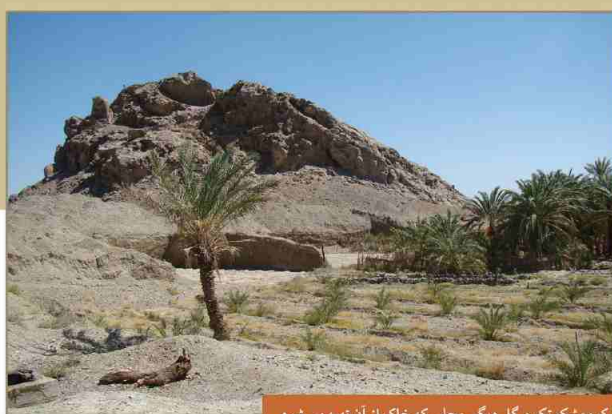
قلع محل روستای قدیم کلپورگان

روستا با بلوک‌های سیمانی و بتونی ساخته شده است. کلپورگان نام خود را از نام بانویی به نام بی بی کلپورگ گرفته است که داستانی جالب دارد. داستانی که به نظر می‌رسد پاسداشت زندگی امروز سفالگران کلپورگان و ماهیت زنانه‌اش را به نوعی تبیین می‌کند. ملنگ عارف می‌گوید: در این سالها باد و باران و نبود آدمها باعث تخریب قلعه شده اما این اتاق به خاطر اعتقادات مردم باقی مانده، این اتاق ذکرخانه‌ی قلعه بوده و مکانی مقدس است. اجداد مردم کلپورگان و روستای پیرآباد که تقریباً در پنج کیلومتری کلپورگان قرار دارد پیرو طریقت بوده و مجالس ذکر و موسیقی عرفانی بخشی از زندگی‌شان را تشکیل می‌داده است. ریشه‌ی اصلی پیران و سیدان در سیوند سند قرار داشته است. شاعران عارف بسیاری در کلپورگان زیسته‌اند. در تاریخ روستا تنها جنگی که به خاطر می‌آورند بجز حمله‌ی مغول که به دلایل تاریخی و مکانی درستی آن مورد تردید است، از جنگی میان کلپورگان و اسپنج صحبت می‌شود. این جنگ بر سر تخریب مقبره‌ی بی بی کلپورگ مقدس که روستا ناشی را از آن گرفته است صورت گرفته و ابزار و ادوات جنگی، تنها و تنها قلوه سنگ‌هایی بوده است. جنگ هفت کلپورگانی در برابر هفتاد اسپنجی که به تخریب مقبره انجامیده است. سال‌ها بعد مردم این آرامگاه را بازسازی کرده و هنوز هم این آرامگاه با پرچم سبز، مکانی مقدس است و مردم روستا بر آرامگاه خرما می‌گذارند و دعا می‌خوانند. خرما مقدس است و در این منطقه

ملنگ عارف، رئیس شورای روستای سراوان به سوال ما درباره‌ی سابقه‌ی روستای کلپورگان، اینکه اولین بار کی ساخته شد و شکل گرفت و چه کسانی این روستا را ساختند می‌گوید: روستای کلپورگان بارها ساخته شده و با خشکسالی‌های عشاری‌ری بود و به مناطق مختلف کوچ می‌کردند. اما زمستان های سرد باعث شده که مردم در محل فعلی روستای کلپورگان قلعه -روستایی بسازند که امروزه به قلاع معروف است. این قلعه فقط یک در داشت و تعدادی اتاق حول حیاطی دور هم ساخته شده بودند. مردم با بز و گوسفندان شان، زمستان را در این قلعه به سر می‌بردند. قلاع محل زندگی مردم با قلاع حاکمان فرق داشت. البته که کلپورگان حاکمی نداشت و مردم پیرو بودند که ریش سفید قلعه بود و به وقت لایروبی قنات و کشاورزی و دیگر مسائل حکم او فصل الخطاب بود. امروز قلعه که مردم معتقدند هزار سال قدمت دارد امروز در میان باقی خانه‌های روستا دیده می‌شود. از این قلعه تنها یک اتاق باقی مانده است که نشان می‌دهد بنایی خشت و گلی بوده و قلوه‌های سنگ‌های نچندان درشت در ملات دیوار به چشم می‌خورد. سقف با تنه‌ی نخل و حصیر ساخته شده و پنجره‌هایی دارد. برای ساخت خشت از قالب‌های مربع شکل که با کنار هم قرار دادن ساقی پیش خرما تهیه می‌شد، استفاده می‌کردند و با اینکه گل پهن می‌شد و بعد با تکه چوبی به شکل خشت بریده می‌شد، اینوزها اما اغلب خانه‌های



کوره قدیمی



کوه مشکونک و گل دیگی محلی که خاک از آن تهیه می شود



آثار سفالی کودکان کلپورگان



کاربرد ظروف کلپورگان

فرهنگ کار به شدت در کلپورگان جاری است. زنان و مردان و کودکان کار می کنند. در این روستا کسی گدایی نمی کند و حتی افراد معتاد هم هر جا لازم باشد شاگردی و کارگری و باربری انجام می دهند.

آنطور که سعید حسن زهی دهیار روستا می گوید: شغل بیشتر مردان کشاورزی (نخل داری) ، مغازه داری (سوپرمارکت ، ساندویچ، تمویض روغن ، تعمیرکار ماشین) و برخی مشاغل کاذب است زنان نیز به سفالگری، سوزندوزی و حصیربافی اشتغال دارند.

روستا دبستانی دارد و دبیرستان آن نیز به تازگی در حال تاسیس است. خانه ی بهداشت و ایستگاه کمک رسانی هلال احمر هم هست.

آب و برق و آنتنی برای تلفن همراه در کلپورگان است. آب روستا از قنات کلپورگان و قنات مشکونک تامین می شود که به نظر می رسد دیگر قادر به تامین همه ی نیاز آب روستا نیست. با این حال مردم روستای کلپورگان شادمان، مهربان و برای حرکت رو به جلو مصمم هستند و آنطور که خودشان می گفتند هیچ چیز نمی تواند مانع آن شود که روستایشان میزبان مهمان ایران و جهان نباشد و کوچه پس کوچه هایش محل بهتری برای زندگی نشود.

می شود و می گوید: دسترنج ما از خاک است. این دست ها از خاک ساخته شده اند و تنها «الله» می تواند آدم درست کند. ما نمی توانیم و نباید در کار او دخالت کنیم. پروانه دهواری می گوید: کلا بلوچها علاقه ای به ساخت عروسک های سفالی ندارند.

پروانه دهواری، مسئول تازه ی کارگاه سفال کلپورگان است. از حضور کودکان در کارگاه استقبال می کند و در چند سطح برای سفالها قیمت گذاشته است. استادکاران می توانند برای کارهایشان قیمت تعیین کنند. کار کودکان با قیمت های پایین به فروش می رسد و پول آن در اختیار خودشان قرار داده می شود. ظاهراً آنطور که خودش می گوید، کوره حداقل ماهی یکبار روشن می شود، تولید بالا رفته، قیمت ها پایین آمده اما هنوز معضل فروش وجود دارد. در روستایی که اینترنت نیست، راه اندازی و اداره کردن کانال ها و سایت های فروش اینترنتی محصولات سفال آسان نیست. فعلاً اقتصاد سفال بر سفارش های گاه و بگاه و خرید تکه تکه ای بازدید کنندگان و مسافران استوار است. پیروز می گوید: قدیم این سفال ارزشی نداشت. یک ماه کار می کردی و سیصد تا یک تومانی می گرفتی اما حالا اگر دل به کار بدهی و سفال مرغوب بسازی تا ماهی یک میلیون و نیم هم درآمد خواهی داشت.

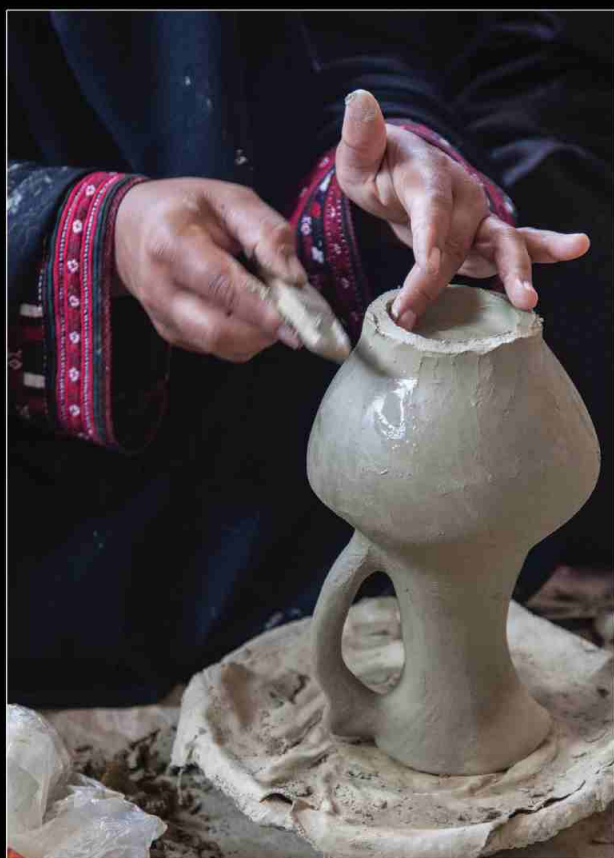
سالها پیش متصدیان فرهنگ و هنر وقت چرخ سفالگری به منطقه آوردند، اما پای زنها به چرخ نمی رسید و مردها هم علاقه ای به کار نداشتند و بعد از مدتی چرخهای بلااستفاده را از کارگاه خارج می کنند.

حضور زنان و کودکان در کارگاه آزادی و خلافت زیادی به همراه داشته است. اندازه ی ظروف متفاوت شده و دیگر از کوزه ها و گلدان های بزرگ خبری نیست. دختران کوچک تر علاقمند هستند فرم های جانوری تولید کنند و انواع پرده و لاک پشت و شتر و بز و گوزن و درخت از محصولات جدیدی است که در میان ظروف کلپورگان به چشم می خورد. اما هنوز هم ساخت آدم های سفالی در میان زنان سالخورده تابو است و کودکان را از ساخت آن نهی می کنند. پیروز و خدیجه و خان بی بی استادکاران سالخورده ی کلپورگانی هستند که در این سفر با ایشان ملاقات کرده ایم. هر چند که سفال کلپورگان استادکاران بسیاری به خود دیده که در جاهای دیگر از ایشان به نیکی نام برده شده است. آن طور که می گویند هر سه خواهند و با مادرشان که او هم استادکار سفال بوده و نود سال سن دارد با هم زندگی می کنند. سن هر کدامشان بالاتر از ۶۰ سال است.

خدیجه در موضوع ساخت پیکرک های انسانی وارد گفتگو

کلپورگان؛ داستان خاک و آب و آتش و انسان











و از دست زنان که به هزاران نقش آغشته است.



و ساقه‌ای، شاخه‌ای از گیاه که درختی است تناور...



و ظروف هزار نقش برای پخت آماده است.





سهر به خاک و آتش و باد....



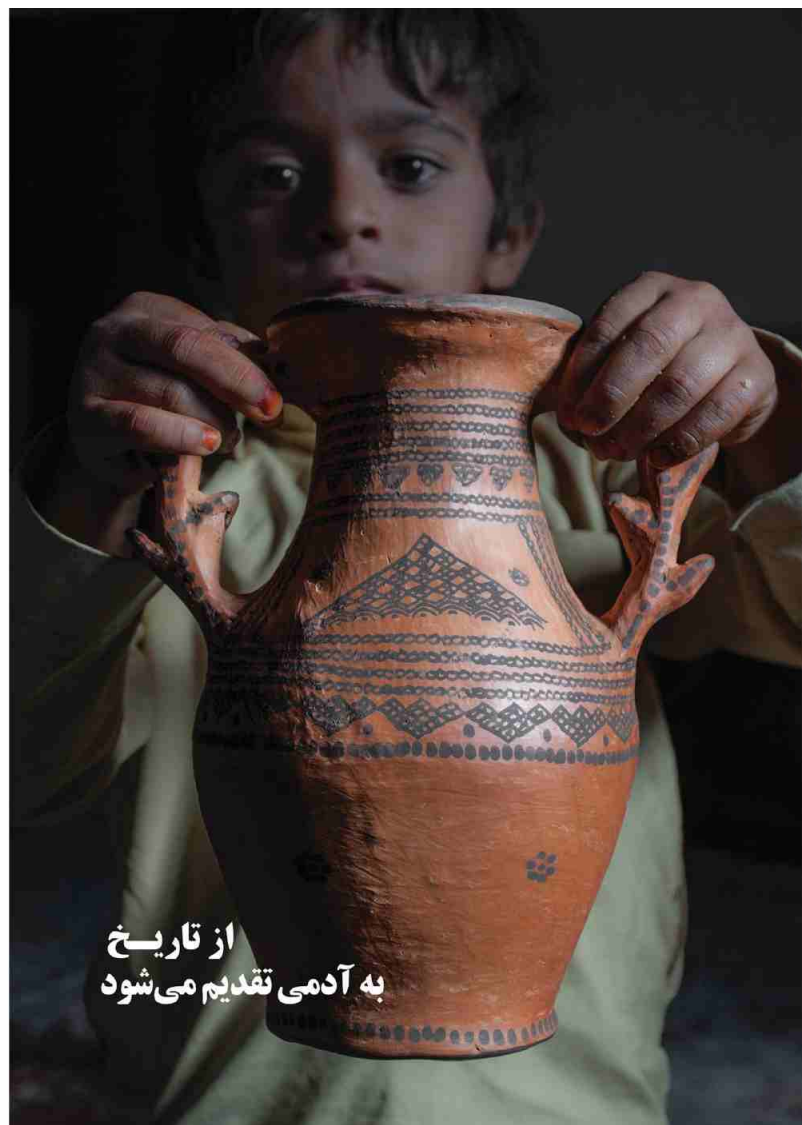
کلپورگان؛ میزبان مهربان

گل دیگی و پیران و زنان سفالگرش معنا یافته و این همه تو را سخت تحت تاثیر قرار می دهد. اما مهمان و گردشگر اگر نخواهد و نتواند به خانه ی عارف برود، در کلپورگان جهانی دلش آرزوهای زیادی خواهد داشت. آرزوی رستوران و غذای گرم، آرزوی اتاقی از آن مهمان... مهمانخانه ای مستقل از هماواری معمول روستا یا خانه های بوم گردی به شیوه ی این روزها با ساز و کار تازه... اصلا حمل و نقل از سراوان به روستا و از روستا به سراوان هم می تواند فکرت را مشغول کند و شغل بیشتر مردانش که «مندی شاگردند» و مگر این خاک چقدر نفت دارد که مندی شاگرد به کشور همسایه ببرد؟! در خشکسالی این سالها و غیاب کشاورزی که شغل آبا و اجدادی اش بوده... دلت می خواهد کسی بیاید و به تمام مندی شاگردها راه و رسم مهمان پذیری و راهنمایی گردشگر یاد بدهد تا از همه ی آنچه در روستا و اطراف دارند به تمامی بهره برند و سختی مندی شاگردی تمام کنند آن هم حالا که روستایشان با سفال هزاران ساله اش ثبت جهانی شده... کاش سهم آنان شغلی تازه و لذت بخش باشد.

روستایی است در قامت همه ی روستاهای بلوچستان ، خاکی و خاکستری با تاش های یشمی نخل بر گرده هایش... تاجی یشمی بر سر و کوههای سیاهان بر شانه هایش با اعجاب صخره های عجیب استوار... برافراشته ... زیبایی هایی چیده تا مسیر رسیدن به کلپورگان... اشتیاق پذیرش مهمان در کودکانش آتقدر زیاد است که ساعت رفتن مهمان را به ایشان نمی گویند تا از زمان غم فراق بکاهند. مرکز سفال زنانه ی جهان است با تاریخی به قدمت سنگ نگاره های همجوارش. بر است از قصه هایی عجیب، زندگی های عارفانه و عاشقانه... پر است از زندگی سادات و پیران آوازه خوان با صدای تنبور و پنجو... در جستجوی مدام پاهو... به هر خانه ای که وارد شوی با آب و خرمای سوگند خورده پذیرایی ات می کنند که این طریقت عارفان است و معنی اش این است که حضوری با احترام و آراش خواهی داشت. از کنار جوی آب که از فئات روستا جاری است و از مقابل مسجد شهباز قلندر می گذرد می گذری و تصویر نخل ها را بر آب تماشا می کنی... این روستا با کوه مشکوتک و تپه های



نمایی از روستای کلپورگان



از تاریخ
به آدمی تقدیم می شود

کلپورگان: ویژگی‌ها، ظروف و اشکال

■ زینب مریم پور

روستای کلپورگان

کلپوره نام گیاهی با مصرف دارویی، ویژه ی منطقه ی بلوچستان است. بلوچستان در قسمت جنوبی استان سیستان و بلوچستان قرار دارد و «کلپورگان» روستایی است در جنوب شرقی بلوچستان و نزدیکی مرز پاکستان. این روستا در ۲۵ کیلومتری شهرستان سراوان و در ۳۹۰ کیلومتری جنوب زاهدان قرار دارد. در واقع کلپورگان یکی از روستاهای سراوان محسوب می گردد. این روستا در حاشیه ی ریگستان بزرگ دشت لوت واقع شده است.

سفال کلپورگان – سنتی هزاران ساله

در حال حاضر در روستای کلپورگان شهرستان سراوان و روستای کوهک سرباز از توابع ایرانشهر بصورت کاملاً فعال و در روستاهای اولنچسکان، گلک و شادی گور از توابع شهرستان نیکشهر به صورت نیمه فعال زنان بلوچ به تولید سفال اشتغال دارند. سفال‌های تولید شده در منطقه ی بلوچستان کلاً به رنگ قرمز جغکی می باشند. (جغک نام گیاهی محلی است که از ریشه ی آن برای رنگ کردن شک و خاج‌های پشم استفاده می کنند) .

در کلپورگان مراحل اصلی ساخت سفال به عهده ی زنان است. زنان سفالگر کلپورگان هرگز از چرخ سفالگری استفاده نمی کنند. در این روش تمام مراحل کار که شامل فشاردهی، شکل دهی و قوس دهی است، با دست انجام می گیرد. سفال ها فاقد لعابند و سطوح ظروف کاربردی با یک سنگ، صاف و هموار گشته و صیقل داده می شوند. مشخصه‌ای که کلپورگان را از سایر مناطق سفالگری متمایز کرده شیوه ی ساخت سفال با روش ۴ تا ۶ هزار سال قبل است که دست نخورده باقی مانده و تنها کارگاهی که هنوز به شیوه ی بدوی فعال و با برجا کارش را ادامه می دهد کارگاه سفال کلپورگان است.

ویژگی های سفال کلپورگان

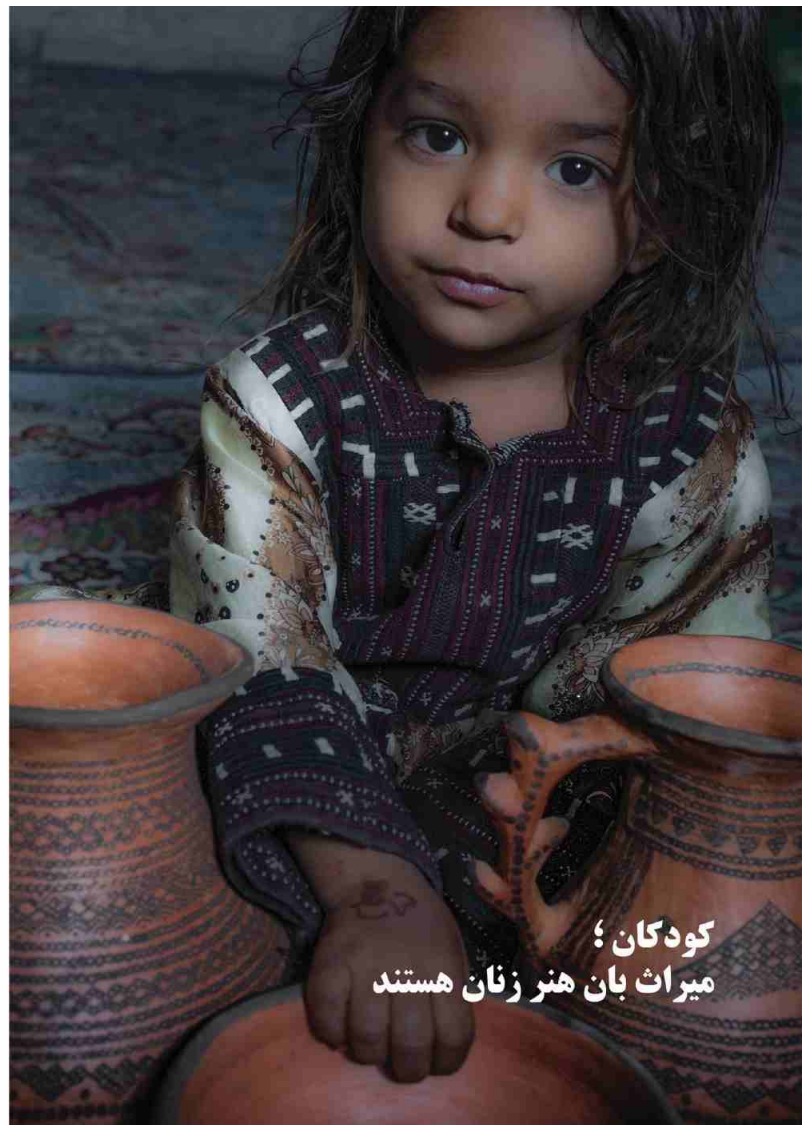
۱- تمام امور ظریف توسط زنان انجام می گیرد و مردان فقط کارهایی مثل آماده کردن گل و پختن سفال را انجام می دهند.
۲- برای تهیه ی سفال از چرخ سفالگری استفاده نمی شود و تمام سفال ها با روش سنتی و به کمک دست ساخته می شوند.
۳- سفال ها بدون لعاب هستند.
۴- طرح ها و نقش های روی سفال ها بیشتر هندسی هستند و معمولاً شامل یک دایره ی توخالی یک دایره ی توپر و یک خط می باشد که با هم ترکیب یافته اند.

طرز تهیه سفال در کلپورگان

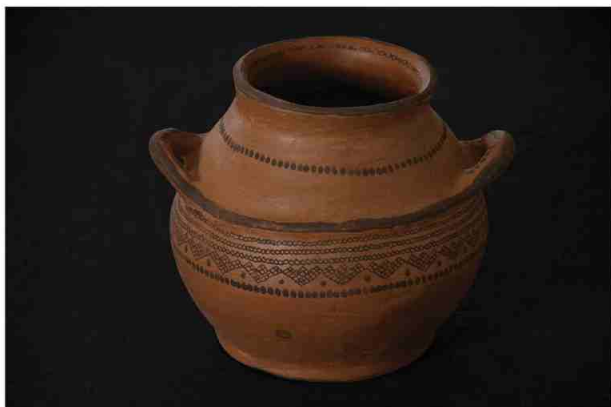
خاک مورد استفاده برای تهیه ی سفال ها از فاصله ۲ تا ۳ کیلومتری کارگاه کلپورگان یعنی معدن خاک رس مشکوتان تأمین می شود. در گذشته این خاک را با چهارپایان یا سبدهای مخصوص [کچول] به کارگاه حمل می کردند اما امروز با بیل مکانیکی خاک را جمع می کنند و با کمپرسی به محل کارگاه انتقال می دهند.

تهیه گل رس

برای جداسازی ناخالصی از خاک ابتدا آن را سرند کرده و سپس آن را در حوضچه ی دوطبقه ای می ریزند و به آن آب اضافه می کنند (شستشوی خاک) و سپس خاک را داخل آب به هم می زنند تا ذرات خاک در آب به صورت معلق درآیند. بعد دوغاب حاصل را از صافی و لوله به حوضچه ی دوم که با اولی اختلاف سطح دارد و پایین تر است منتقل می کنند و برای اینکه ناخالصی ها از حوضچه ی اول به حوضچه ی دوم وارد نشوند، معمولاً داخل لوله ی مذکور چند توری تعبیه می کنند تا آخرین ذراتی که در محلول باقی مانده جدا شوند.



کودکان ؛
میراث بان هنر زنان هستند



دیسُرُک: واژه‌ی فارسی آن دیگ است و از آن برای غذا پختن استفاده می کنند. دیُرک را به اندازه‌ی قابلمه‌های معمولی می سازند و گنجایش ۶ الی ۷ لیتر آب را دارد.



چلیم: واژه‌ی فارسی آن قلیان است و از آن برای کشیدن تنباکو استفاده می کنند . چلیم معمولاً از سه قسمت تشکیل شده است: (نه چلیم بدنه ی چلیم و سرچلیم) نه چلیم ظرفی گرد و صاف با لبه‌ای حدود ۳ سانتیمتر است که زیر چلیم قرار می گیرد، بدنه ی چلیم قسمت اصلی آن است که در آن آب می ریزند، بدنه ی چلیم دو سوراخ دارد یکی برای قرار گرفتن نی چلیم و دیگری برای سر چلیم است . معمولاً سرچلیم به وسیله ی رابطی از جنس نی دورن چلیم قرار می گیرد اما در بعضی موارد این رابط از سفال چسبیده به سرچلیم ساخته می شود . سر چلیم قسمتی است که در آن تنباکو و روی آن آتش (زغال روشن) را می گذارند

دوغاب را در حوضچه ی دوم به مدت دو روز نگه می دارند تا آب آن بخار شود و بعد گل به دست آمده را با مقداری از همان خاک قبلی روز می دهند تا آماده کار شود. در اصطلاح محلی مخلوط به دست آمده "هاچک" نام دارد و رنگ این مخلوط معمولاً خاکستری متمایل به سبز روشن است. اما پس از پخت در کوره به رنگ نارنجی درمی آید. تا این مرحله، کارها به عهده ی مردان است.

تکنیکهای ساخت

– روش پینچ (pinch)

برای ساختن سفال با این شیوه از یک صفحه ی گردان که چشش از سفال است، استفاده می کنند. این صفحه ی گردان "پونو" نام دارد. ابتدا مقدار مشخصی از گل را روز می دهند و آن را بر روی پونو که معمولاً روی آن پارچه ای برای نجسیدن گل قرار داده شده، می گذارند و حفره ای با انگشتان دست در میان گل ایجاد می کنند و سپس همراه با چرخش گل بر روی پونو حفره ی ایجاد شده را با انگشتان دو دست به تدریج گشاده می کنند. با این عمل دیواره ی ظرف نازک می شود. در حین انجام این عمل از تکه چوبی به طول حداکثر ۲۰ سانتی متر برای هدایت دیواره ی ظرف به جهت‌های مختلف استفاده می کنند. با این شیوه ضخامت دیواره‌های ظرف در همه ی قسمتهای مورد نظر سفالگر یکسان می شود. در اصطلاح محلی به این تکه چوب "گل موش" می گویند.

– روش لوله ای یا قتیله ای (کویل)

در این روش ابتدا پارچه ای را روی پونو پهن کرده و مقدار مشخصی از گل را بر روی پارچه قرار می دهند. در این روش برای ساختن ظرف، گل را به صورت لوله‌هایی با ضخامت مورد نظر درست کرده و به ترتیب بر روی هم می گذارند تا شکل مورد نظر درست شود، پس از آنکه ظرف ساخته شد آن را در معرض آفتاب قرار می دهند تا کاملاً خشک شود. این کار شاید چندین روز طول بکشد. پس از خشک شدن سفال، سطح خارجی آن را با سنگ مخصوصی به نام "سانتوک" صیقل می دهند و با این عمل سطح سفال خام برای نقاشی و تزئین آماده می شود.

تزئین سفال‌ها

سفالگران کلیورگان برای تزئین و نقاشی از سنگی به نام "تیتوک" استفاده می کنند. این سنگ از بین دو کوه "کوران" و "کسکار" در ۱۲۵ کیلومتری کلیورگان استخراج می گردد. این سنگ نوعی سنگ مگنزی است و رنگی که از آن به دست می آید قهوه ای است و پس از پخت در کوره ثابت می ماند. برای به دست آوردن رنگ از این سنگ، تکه ای از آن را بر روی

یک سنگ دیگر که بزرگتر است و "وانک" نام دارد می ساینند. در نتیجه ی این سایش سنگ "وانک" گود می شود واز سنگ "تیتوک" نیز پودری به دست می آید که در همان گودی "وانک" جمع می شود، سپس برای ساختن جوهر نقاشی در همان گودی "وانک"، بر روی پودر سنگ "تیتوک" آب می ریزند و آن ها را در هم حل می کنند به این ترتیب جوهر نقاشی به دست می آید. برای رسم تزئینات روی قطعه های سفالی از یک تکه چوب به اندازه‌ی چوب کبریت استفاده می کنند. سفال گر چوبی را که معمولاً از جنس چوب درخت خرماسث بین انگشتانش گرفته و بعد چوب و انگشت اول را مشترکاً در جوهر زده و همچون قلم روان نویس مقدار کمی مایع روی سر انگشتانش جمع می شود، با این کار می توان به دلعات و بدون توقف تزئینات بیشتری را رسم کرد.

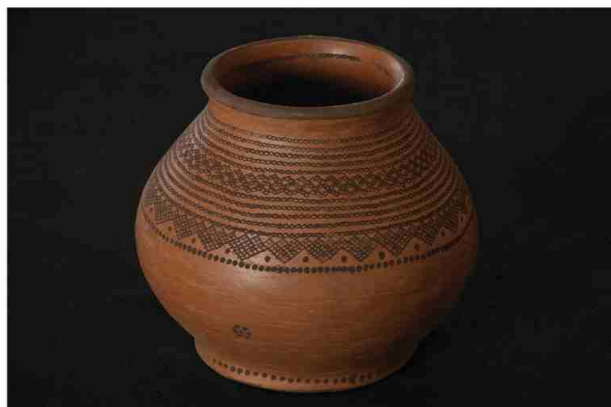
نقش ها و طرح ها

تمام سفال ها پس از ساخت، ده روز در معرض تابش آفتاب قرار می گیرند تا کاملاً خشک شوند. سپس آن ها را با رنگی که از سنگ "تیتوک" می سازند، تزئین کرده و بعد از آن داخل کوره می گذارند تا پخته شوند. "چت محیلوک" و "گل" نام برخی از نقشهای محلی است. این نقش ها ساده و تا حدی انتزاعی هستند. بیشتر تزئینات از ۴ نوع نقش تشکیل شده اند:

- ۱- دایره های توخالی
- ۲- دایره های توپر
- ۳- خطوط میله ای
- ۴- نیم دایره ها

کوره ها و شیوه ی پخت

کوره‌های سنتی در بلوچستان در زمین حفر شده و معمولاً بصورت گودالی گرد هستند که قطر دهانه‌ی آن یک متر، قطر قسمت پایین ۳متر و عمق آن حدود ۵/۲متر است. داخل برخی کوره ها را با کاه گل آلود می نمایند. ظروف پس از آنکه در آفتاب خشک و رنگ آمیزی شدند ، یک ردیف در کنار دیوار داخلی کوره و ردیف دیگر با فاصله ی نیم متری از ردیف اول چیده می شوند. ظروف بر روی خشت‌های پخته شده گذاخته می شوند و در چند ردیف روی هم قرار می گیرند . در وسط کوره و بین دو ردیف با چوب آتش روشن می کنند ، آتش در تمام روز اول روشن است و شب آن را خاموش می کنند. روز بعد برای بار دوم آتش را روشن می کنند و در پایان روز دوم در کوره را محکم با کاه گل می پوشانند و به مدت ۲ روز به همان حالت باقی می گذارند. بعد از آن، در کوره را باز می کنند و پس از آنکه کوره کاملاً سرد شد سفال ها را بیرون می آورند.



کلو: که واژه ی فارسی آن چا ماستی است. از آن برای نگهداری ماست استفاده می کنند.

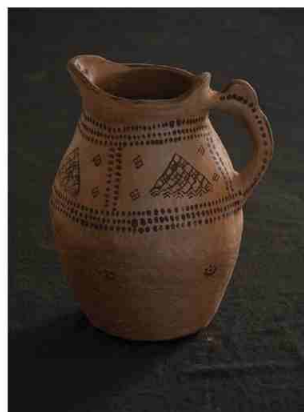


کاسه: اندازهی آن تقریباً به اندازه ی کاسه های معمولی است. کناره ی آن کاملاً گرد بوده و اغلب قسمت بیرونی آن را تزیین می کنند.



سوپچی:

واژه ی فارسی آن اسپند دودکن است که از آن برای دود کردن اسپند و یا سوپچی که ماده ای خوشبوست استفاده می کنند. این وسیله به شکل غنچه ای در حال باز شدن است که سه پر دارد، در قسمت وسط آن از تمامی جهات سوراخ هایی برای عبور هوا تعبیه شده و در قسمت زیر آن یک پایه جهت جلوگیری از سوختن دست در نظر گرفته اند. نحوه ی استفاده از آن به این صورت است که مقداری زغال و یا چوب را درون آن قرار داده روشن می نمایند، چوب ها یا زغال ها با جریان هوا که از سوراخ ها می گذرد به خوبی می سوزند و در نهایت اسپند را درون آن ریخته تا دود آن در محیط پخش شود.



پارچ:

واژه ی فارسی آن پارچ است. بیشتر پارچ ها را با گردنی کوتاه می سازند و مانند پارچ های معمولی هستند که یک دسته به قسمت سر پارچ وصل می شود.



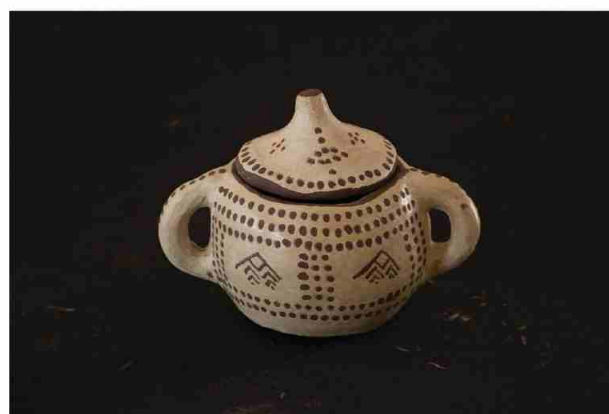
لیوان: جهت شرب مایعات، به شکل استوانه که دسته آن نسبتاً ظریف دارد و در اصطلاح محلی به آن گدو می گویند



آفتابه: که گنجایش آن حدود ۳ لیتر است.



بشقاب: این ظرف بیشتر به شکل کاسه ساخته می شود یا این تفاوت که گودی کمتر دارد و در اصطلاح محلی به آن کاسک می گویند.



کندان: واژه ی فارسی آن قندان است. قندان ها را به شکل استوانه، بیضی و یا ترکیبی از این دو شکل می سازند.



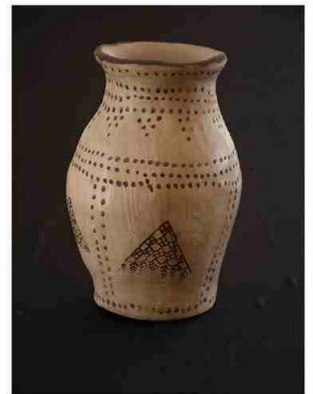
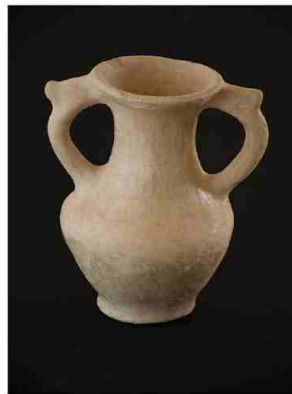
کوزه برای نگهداری و حمل آب.



بُز دوش: جهت جمع آور شیر دوشیده شده حیوانات اهلی استفاده می گردد.



مجسمه های تزئینی به شکل شتر؛ و برخی تولیدات دیگر مثل کوزه، زیر سیگاری، سینی، مجسمه ی حیوانات و ...



گلدان: جهت نگهداری گل و تزئین استفاده می شود گلدانهای کوچک معمولاً بدون دسته و گلدانهای بزرگ دارا دو دسته می باشند که در اصطلاح محلی به آن گل جا می گویند.

گالری موزهی جنوب شرق

از کلیه هنرمندان رشته‌های هنرهای تجسمی دعوت می‌شود در صورت تمایل به برپایی نمایشگاه نقاشی، مجسمه‌سازی، ویدئو آرت، پرفورمنس، اینستالیشن، خوشنویسی، عکاسی، مولتی مدیا، اسناد و کتب خطی، لوح‌های ثبتی، نگارگری و کلیه شیوه‌های هنرهای زیبا و آثار میراث کهن، به موزهی جنوب شرق، واحد انتشارات و تبلیغات مراجعه نموده و با باشماره تلفن‌های زیر تماس حاصل نمایند.



تلفن‌های تماس:

۰۹۳۹۴۴۹۸۷۱۴ - ۰۵۴۳۳۲۵۳۰۲ (داخلی ۳۰۹ و ۲۷۵)

برپایی نمایشگاه در گالری موزهی جنوب شرق رایگان است.



قوری؛ بدنه‌ای کروی شکل دارد که لوله‌ای استوانه‌ای به آن متصل گشته است، در مقابل لوله دسته‌ای جهت حمل به آن متصل گردیده است.

دلیراد دهورای کیست؟



استاد دلیراد دهورای از هنرمندان سخت کوش عرصه سفال کلپورگان و نیز حصیریافی بود که با پذیرفتن مسئولیت کارگاه سفال کلپورگان برای تعدادی از زنان روستایی ایجاد اشتغال کرد. دلیراد دهورای از اهالی روستای کلپورگان توانست به تمامی زنان روستا آموزش‌های لازم سفالگری را ارائه داده و آنان را تشویق سازد تا هر هفت هزارساله سفالگری ایرانی را در روستای خود کلپورگان احیا و نام این روستا و هنرش را در جهان زنده نگه دارد و ماندگار سازد. او تلاش وسیعی نمود تا هنرمندان و صنعتگران روستا بیمه شوند ولی این خواسته او تحقیق نیافت مکاتبات عهده‌ای با مسئولین عالی رتبه کشور انجام داد ولی پاسخ قاطعی در این راستا دریافت نکرد. با تلاش او ۱۵ نفر از کار افتادگان مستمری هنرمندان را دریافت می‌کنند. دلیراد دهورای با هزینه شخصی علی‌رغم ضرر و زیان در تمامی نمایشگاه‌های صنایع دستی در سراسر کشور شرکت کرد تا صنعت هنرمندانه‌ی هفت هزار ساله‌ی سفالگران کلپورگان را به هم وطنان معرفی کند. او در پنجم دیماه ۱۳۹۱ درگذشت. موزه‌ی زنده‌ی سفال کلپورگان در تاریخ ۷ مهر ۱۳۸۱ یا شماره‌ی ثبت ۶۴۷۲ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

منابع

- گروه فرهنگ و هنر سیم‌رخ. www.seemorgh.com
- پایگاه خبری تحلیلی سیستان و بلوچستان. <http://www.nedayezahedan.com>
- وبلاگ فرهاد دهورای کلپورگان. <http://kalpuregan.blogfa.com>
- گفتگوی تلفنی با مسعود دهورای کلپورگان از اهالی کلپورگان.
- پایان‌نامه‌ی آتنا جهان‌تبخ دانشجوی دانشکده‌ی هنر سیستان و بلوچستان.
- اداره‌ی فنی و پژوهشی صنایع دستی استان سیستان و بلوچستان.
- بررسی امکانات توسعه‌ی صنایع دستی در استان سیستان و بلوچستان
- پایان‌نامه‌ای از مسعود کرباسچی، محمد راحتی، شیرعلی مرعشی‌پور، علی دهقان‌پور.

سال ۱۳۹۶

سیستان و بلوچستان

مقصد گردشگری ایرانیان

